

## روزی که شاه رفت

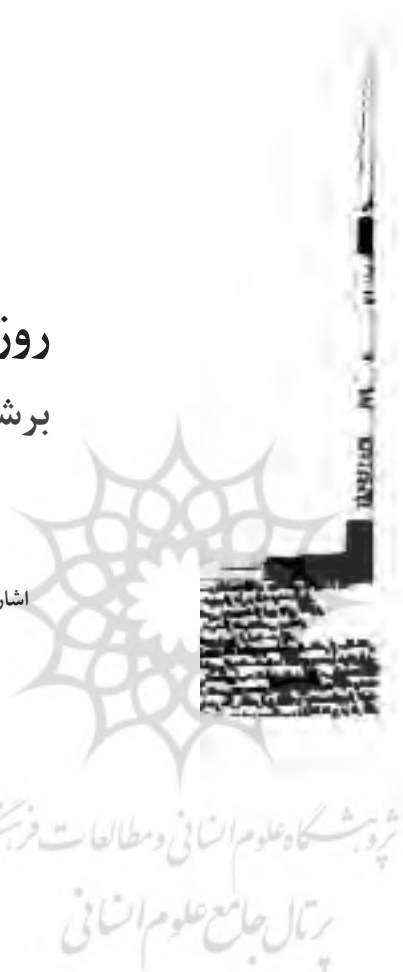
### برشی از روزشمار انقلاب اسلامی

○ میرزا باقر علیان نژاد

اشاره

در ایران مراکز متعددی دست اندر کار پژوهش و تحقیق درباره تاریخ معاصر، بویژه دوران انقلاب اسلامی، هستند؛ از جمله آنها «دفتر ادبیات انقلاب اسلامی» حوزه هنری است. «طرح تدوین تاریخ انقلاب اسلامی» از سال ۱۳۷۱ در حوزه هنری مطرح و هم زمان مقدمات اجرای آن فراهم گردید و در طول یک دهه کارهای زیر صور گرفت و یا در حال شکل گیری است:

- ۱- تشکیل بانک اطلاعات رایانه‌ای مربوط به سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۶ و ۱۳۴۳-۱۳۴۰.
  - ۲- نگارش روزشمار انقلاب اسلامی ۱۳۵۷-۱۳۵۶ و روزشمار ۱۵ خرداد ۱۳۴۳-۱۳۴۰.
  - ۳- نگارش دایرةالمعارف انقلاب اسلامی (ویژه نوجوانان و جوانان).
- از سال ۱۳۷۱ در راه جمع‌آوری منابع مورد نیاز، در بخش مطبوعات داخلی از شصت عنوان روزنامه و ۱۲۰ عنوان مجله برگ‌نویسی و در بخش کتابها، منابع موجود در هشتاد کتابخانه شهرهای مختلف کشور بررسی و از حدود هزار عنوان کتاب یادداشت برداری شده است. برای آگاهی از نگاه دیگران به انقلاب اسلامی، کتابها و نشریات خارجی (انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، روسی و عربی) نیز مورد بررسی قرار گرفت. از میان حدود ۱۸۰ عنوان نشریه خارجی حدود ۳۶۰۰ مقاله، گزارش و خبر انتخاب و پس از ترجمه برگ‌نویسی



روزی که شاه رفت

مطالعات انقلاب

ویژه بهمن

شد. همچنین حدود پانزده عنوان کتاب به صورت کامل ترجمه گردید. بخشهایی از ۱۵۵ عنوان کتاب نیز پس از انتخاب، ترجمه و یادداشت برداری شد. برای جمع‌آوری اطلاعات، هیچ روزنه امیدی ناپدید گرفته نشد؛ اخبار عادی و محرمانه خبرگزاری پارس، بولتن محرمانه رادیو تلویزیون ملی ایران، نشریات زیرزمینی، برخی از اسناد پراکنده در بایگانی و کتابخانه‌های خصوصی هم گردآوری شد. برای یافتن نام شهیدان دوران انقلاب اسلامی از مرکز آمار و اطلاعات بنیاد شهید یاری گرفتیم. حتی پژوهشگران این دفتر از



بایگانی پزشک قانونی در بهشت زهرا نیز یادداشت برداری کردند. ضمن اینکه در این میان از افزون بر پنج هزار ساعت خاطرات ضبط شده در واحد تاریخ شفاهی دفتر ادبیات انقلاب اسلامی نیز بهره بردیم. برای نگارش زندگی‌نامه افراد نیز از بایگانی واحد فرهنگ ناموران معاصر ایران استفاده شد. از سال ۱۳۷۷ جمع‌آوری اطلاعات از طریق شبکه جهانی، اینترنت، نیز آغاز گردید. هم‌اکنون یادداشت برداری از منابع جدید ادامه دارد. نتیجه این پژوهشها در بخش تاریخ انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ - ۱۳۵۶) تهیه حدود ۲۲۰ هزار فیش تحقیقاتی از نشریات، کتابها، خاطرات، اسناد، منابع خارجی، بولتنهای محرمانه اسناد و... است. تمامی این فیشها در رایانه، با قابلیت جست و جوی کلیدواژه‌ای، نگهداری می‌شود. محصول اولیه این اقدامات، مجموعه کتابهای روزشمار انقلاب اسلامی است. کار نگارش آنها از سال ۱۳۷۶ آغاز شد.

روزشمار انقلاب اسلامی، جلد اول، ۱۳۵۶/۱/۱ - ۱۳۵۶/۶/۳۱.  
روزشمار انقلاب اسلامی، جلد دوم، ۱۳۵۶/۷/۱ - ۱۳۵۶/۱۲/۲۹.  
روزشمار انقلاب اسلامی، جلد سوم، ۱۳۵۷/۱/۱ - ۱۳۵۷/۳/۳۱.  
روزشمار انقلاب اسلامی، جلد چهارم، ۱۳۵۷/۴/۱ - ۱۳۵۷/۵/۳۱.  
روزشمار انقلاب اسلامی، جلد پنجم، ۱۳۵۷/۶/۱ - ۱۳۵۷/۶/۳۱.  
روزشمار انقلاب اسلامی، جلد ششم، ۱۳۵۷/۷/۱ - ۱۳۵۷/۷/۳۰.

روزشمار انقلاب اسلامی، جلد هفتم، ۱۳۵۷/۸/۱ - ۱۳۵۷/۸/۳۰.  
روزشمار انقلاب اسلامی، جلد هشتم، ۱۳۵۷/۹/۱ - ۱۳۵۷/۹/۳۰.  
روزشمار انقلاب اسلامی، جلد نهم، ۱۳۵۷/۱۰/۱ - ۱۳۵۷/۱۰/۱۵.  
جلد دهم این روزشمار (۱۳۵۷/۱۰/۱۶ - ۱۳۵۷/۱۰/۲۲) در مرحله آماده‌سازی است و جلد یازدهم (۱۳۵۷/۱۰/۲۳ - ۱۳۵۷/۱۰/۳۰) نیز در مرحله نگارش است. متن روزشمار، گزارش کامل اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران و حوادث مربوط به دوران انقلاب و اقدامات مخالفان حکومت شاه و طرفداران داخلی و خارجی آن به ترتیب اهمیت آنهاست. علاوه بر اطلاعات کلی از ارائه اطلاعات جزئی (نظیر تظاهرات در برخی روستاها، نام شهدا و...) نیز غفلت نشده است. یکی دیگر از ویژگیهای این روزشمار کمیت آن است (۱۳۵۶/۱/۱ - ۱۳۵۷/۱۰/۱۵)؛ در نه مجلد و حدود ۵۰۰۰ صفحه که علاوه بر آن در حد امکان سعی در مصورسازی این مجموعه نیز شده است.

هم‌اکنون مجموعه کتابهای روزشمار انقلاب اسلامی در زمره منابع پژوهشگرانی است که در زمینه انقلاب اسلامی در داخل و خارج از کشور فعالیت می‌کنند. از جمله کتابهای خارجی می‌توان از انقلاب باور نکردنی در ایران (The Unthinkable Revolution in Iran) نوشته دکتر چارلز کورزمن (Charles Kurzman) نام برد که در سال ۲۰۰۴ م در امریکا به چاپ رسیده است. آنچه می‌خوانید، حوادث مربوط به روز ۲۶ دی ۱۳۵۷ است که بخشی از کتاب روزشمار انقلاب اسلامی (جلد یازدهم؛ در حال نگارش) است. این بخش از طرح بزرگ روزشمار از سوی دفتر ادبیات انقلاب اسلامی و به درخواست فصل‌نامه مطالعات تاریخی در اختیار گذاشته شده است.

نظر خوانندگان را به این نکته جلب می‌کنیم که برخی از رویدادها ممکن است مجرد و بدون زمینه به نظر برسند، یا نام افراد، گویا نشده و... همگی به دلیل پیوستگی وقایع، اعلام و مدخل این روز با روزهای گذشته، بلکه مجلدات پیشین روزشمار انقلاب اسلامی است. شیوه نگارش و ترکیب بندی مستندات نیز به واسطه روش گزینش شده در تدوین این سلسله کتابهاست.

پس از اعلام خبر خروج شاه از ایران در اخبار ساعت ۱۴ رادیو سراسری، کشور غرق در شادی و هیجان شد.

عباس قره‌باغی درباره چگونگی خروج شاه از کشور در خاطرات خود می‌نویسد؛ با توجه به تصمیم شاه در جلسه شورای سلطنت، قرار بود شاه روز چهارشنبه ۲۷ دی ۱۳۵۷ از کشور خارج شود اما غروب روز دوشنبه ۲۵ دی که خبر رأی اعتماد مجلس سنا به دولت بختیار در



بین نظامیان انتخاب می کنید یا از غیر نظامیان؟ بختیار گفت غیر نظامیان را ترجیح می دهم اما از افسران باز نشسته خوش نام نیز استفاده خواهم کرد. فرح نیز وارد بحث شد و به شاه گفت: «بختیار از خودگذشتگی به خرج داده است و باید به او اعتماد کامل کرد.» سپس فرح از بختیار خواست برای برخی اشخاص که چند نفری از آنها بدون سوءسابقه و برخی نیز مسائل مشکوکی داشتند، گذرنامه صادر کند.<sup>۲</sup>

سپس شاه در جمع خبرنگاران داخلی حاضر در فرودگاه گفت: «همان طور که موقع تشکیل این دولت گفته بودم، مدتی است که احساس خستگی می کنم و احتیاج به استراحت دارم. ضمناً گفته بودم پس از اینکه خیالم راحت شود و دولت مستقر گردد به مسافرت خواهم رفت. این سفر اکنون آغاز می شود و تهران را به سوی اسوان در مصر ترک می کنم...» شاه در باره مدت سفرش نیز گفت: «این بستگی به حالت من دارد و در حال حاضر نمی توانم آن را دقیقاً مشخص کنم.»<sup>۳</sup>

قره باغی صحنه خروج شاه را از کشور این گونه توصیف می کند: «اعلی حضرت بعد از خداحافظی از نخست وزیر، رؤسای مجلسین، چند نفر دیگر و من در حالی که خیلی متأثر بودند به طرف هواپیما حرکت کردند. در این موقع تعدادی از افسران و مأمورین مخصوص گارد شاهنشاهی و آشیانه سلطنتی در مسیر راه، اطراف اعلی حضرتین را گرفته و به نشانه خداحافظی دستهای اعلی حضرت و شهبانو را می بوسیدند. و یکی از آنها نزدیک پله هواپیما قرآن را در دست گرفته بود که اعلی حضرتین بر حسب سنت از زیر آن عبور [کردند] و آن را به رسم احترام بوسیدند... سپس داخل هواپیما شده و در جای خلبان قرار گرفتند. اعلی حضرت شخصاً هواپیما را هدایت و خاک ایران را ترک کردند. در حال نگرانی در افق به هواپیما که در آسمان ایران از نظر دور می شد نگاه می کردم تا اینکه از نظر ناپدید شد. ساعت ۱/۱۰ بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۶ دی ۱۳۵۷ بود.»<sup>۴</sup> منصور رفیع زاده، آخرین رئیس شعبه ساواک در امریکا، در خاطرات خود از خروج شاه از

روزنامه ها منتشر شد، طولی نکشید که سهبید بدره ای تلفنی اطلاع داد: «اعلی حضرت به جای چهارشنبه، فردا، روز سه شنبه صبح حرکت خواهند کرد و مسافرت خصوصی و غیررسمی است.» قره باغی می افزاید؛ برای مسافرت غیررسمی هم روش خاصی وجود داشت. معمولاً نخست وزیر، رؤسای مجلسین، رئیس ستاد و تعدادی از مقامات علاوه بر وزیر دربار و رؤسای تشریفات، در فرودگاه حاضر می شدند. اما شاه به فرماندهان نیروهای نظامی، حتی به فرمانده نیروی هوایی، که به علت داشتن مسئولیت حفاظت هواپیمای اختصاصی و تشریفات پرواز، معمولاً در مسافرتها خصوصی و داخلی هم حضور پیدا می کرد، اجازه نداده بود به فرودگاه بیایند. حدود ساعت ۱۰ صبح مشایعت کنندگان در پایون سلطنتی فرودگاه مهرآباد در انتظار ورود شاه و فرح بودند. هواپیمای اختصاصی شاهین (جت ۷۲۷) نیز مقابل پایون قرار داشت. دقایقی بعد شاه به اتفاق فرح با هلی کوپتر به مهرآباد آمدند. قره باغی در فرودگاه به دیدار شاه رفت و شاه نیز بر حفظ انضباط در نیروهای مسلح تأکید کرد و به قره باغی گفت: «مواظب باشید که فرماندهان یک وقت دیوانگی نکنند و به فکر کودتا نیفتند.»

عباس قره باغی از انتظار شاه برای دیدار با بختیار می نویسد: «اعلی حضرت در انتظار نخست وزیر و رئیس مجلس شورای ملی، در حالی که در سالن پایون سلطنتی قدم می زدند با آقایان سجادی رئیس مجلس سنا و اردلان وزیر دربار صحبت می کردند. پس از مدتی آقایان بختیار و دکتر سعید آمدند. اعلی حضرت بلافاصله با آنها مشغول گفت و گو شدند. نخست وزیر اظهار نمود، ازدحام عجیبی در اطراف مجلس شورای ملی بود و با هلی کوپتر از داخل محوطه مجلس پرواز کرده، والا نمی توانست با سرعت خودش را به فرودگاه برساند. به هر حال معلوم شد که مجلس شورای ملی هم به دولت رأی اعتماد داده است.»<sup>۱</sup>

شاپور بختیار در فصل پنجم کتاب یکرنگی با عنوان «وداع پادشاه» از روز خروج شاه می نویسد:

هلی کوپتر روی باند فرودگاه نزدیک محلی که پادشاه ایستاده بود فرود آمد. اعلی حضرت پالتوی سرمه ای برتن داشت و دورش را عده ای از نظامیان و غیرنظامیان گرفته بودند. شهبانو هم در کنارش بود. [فصل جدایی که در آن زمان هیچ کدام نمی دانستیم دائمی خواهد شد، فرارسیده بود. پس از آنکه من اداای احترام کردم، پادشاه به من گفت: «من ۲۰ دقیقه است منتظر شما هستم» [گفتم] امیدوارم اعلی حضرت مرا ببخشند، در مجلس و در انتظار گرفتن رأی اعتماد بودم.

سپس شاه به اتفاق بختیار به اتاق کوچکی در پایون سلطنتی رفتند که همسر شاه نیز آنجا بود. شاه از بختیار پرسید درباره حکومت نظامی در استانهای مختلف چه خواهید کرد؟ بختیار پاسخ داد یکی پس از دیگری لغو خواهند شد و تهران آخرین آنها خواهد بود. شاه پرسید آیا استانداران را از



جت بوئینگ ۷۲۷ آبی و نقره‌ای رنگ را به دست گرفت و با همسرش به سوی تبعید پرواز کرد.<sup>۷</sup> در کتاب انقلاب ایران به روایت رادیو بی بی سی آمده است تا وقتی هواپیمای شاه، فرودگاه مهرآباد را ترک کرد، فقط اطرافیان و نزدیکان او از ماجرا اطلاع داشتند. مردم خبر رفتن او را ساعتی بعد، از اخبار رادیو تهران شنیدند: «ساعت ۱۳/۸ بعد از ظهر امروز شاهنشاه و شهبانو در میان بدرقه آقای شاپور بختیار نخست‌وزیر، دکتر جواد سعید رئیس

مجلس شورای ملی، دکتر علیقلی اردلان وزیر دربار، و گروهی از رجال و شخصیت‌های مملکتی فرودگاه مهرآباد را ترک گفتند.»<sup>۸</sup>

پس از انتشار خبر خروج شاه از رادیو، مردم سراسر کشور با هجوم به خیابانها به شادی و پایکوبی پرداختند. این نخستین تظاهرات شادمانه مردم در خیابانها طی روزهای انقلاب بود. رادیو بی بی سی از تهران گزارش داد: «به محض اینکه خبر رفتن شاه در تهران پخش شد، صحنه‌های وجد و سرور برپا گردید و هزاران نفر وارد خیابانها شدند و می‌خواندند و می‌رقصیدند و بوقهای اتومبیل‌های خود را به صدا در می‌آوردند و این صحنه‌ها در بسیاری از شهرها و قصبات دیگر در سراسر کشور منعکس گردید و سربازان به کناری ایستاده بودند و بعضی از آنها در ابراز وجد و سرور به مردم می‌پیوستند.»<sup>۹</sup>

بختیار در شورای امنیت ملی به فرماندار نظامی تأکید کرده بود که سربازان و مأمورین نظامی از دریافت شاخه‌های گل از مردم خودداری نکنند و در مقابل پیش آمدهای ناگوار خونسردی خود را حفظ نمایند. اما همین دستورات وضع را به جایی رساند که بعد از خروج شاه از ایران، نه تنها پرسنل نظامی شاخه‌های گل اهدایی مردم را با میل و رغبت قبول کردند، بلکه آنان را در آغوش گرفته روبوسی می‌کردند.<sup>۱۰</sup> صحنه‌هایی که سرآنتونی پارسونز، سفیر انگلستان در تهران، از خروج شاه به تصویر می‌کشد، خواندنی است:

کابینه بختیار و برنامه دولت او روز ۱۶ ژانویه مورد تأیید مجلس ایران قرار گرفت و شاه و همسرش همان روز فرودگاه مهرآباد تهران را به مقصد مصر ترک گفتند. رادیو ایران ساعت دو



کشور می‌نویسد: «شاه یک دست کت و شلوار سنتی و فرج یک دست لباس تیره پوشیده بود. بر سر و دست فرج جواهرآلانی دیده نمی‌شد. آنها ترتیبی داده بودند که فیلم برداران بتوانند چند صحنه از سربازی را که به دست و پای شاه افتاده و تلاش می‌کرد پاهای شاه را بیوسد فیلم برداری کنند. شاه در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده بود، مانع از این کار شد و او را از زمین بلند کرد.»<sup>۵</sup>

در همین حال احمدعلی مسعود انصاری در کتاب من و خاندان پهلوی از خروج مقادیر زیادی جواهرآلات از کشور خبر می‌دهد: «در موقع ترک وطن، شاه و خانواده‌اش مقدار زیادی از جواهرات خود را همراه آوردند. از جمله شاه به همراه اثاث خود چهار

جعبه جواهرات آورده که استوار شهبازی که همراه خانم [فریده] دیبا، مادر فرح، جواهرات را برای امانت سپردن به بانک سوئیس برده بود، به من گفت که جواهرات در چهار جعبه بزرگ، هر یک به اندازه نیم قد انسان بود. البته این جواهرات خود شاه و فرح بود، و الا سایر افراد خانواده جواهرات خود را به طور جداگانه آورده بودند.»<sup>۶</sup>

ویلیام فوربیس در کتاب سقوط تخت طاووس در توصیف صحنه خروج شاه از ایران می‌نویسد: «آهنگ سریع تر می‌شد. شاه فرزندان خود را به ایالات متحده فرستاده بود، و در شانزدهم ژانویه خود او و همسرش آخرین افراد خانواده پهلوی بودند که در ایران باقی مانده بودند. (البته به جز شاه‌زاده حمید که آدم عجیبی بود) حوالی ساعت ۱۲/۳۰ بعد از ظهر چهار هلی کوپتر از کاخ نیاوران به سوی فرودگاه مهرآباد پرواز کردند. (شاه معمولاً از این روش استفاده می‌کرد تا نگذارد مخالفین بفهمند او در کدام هلی کوپتر است تا به او شلیک کنند.) در فرودگاه صحنه خروج شاه، صحنه محنت باری بود. شاه با چشمانی اشک آلود گفت امیدوارم که دولت بتواند گذشته را اصلاح و جبران کند و همچنین در پایه گذاری برای آینده موفق باشد. سپس شاه با مشتی خاک ایران در جیبش، کنترل

اداره امور کشور به طور کامل به دست شاپور بختیار افتاد.<sup>۱۲</sup> دزموند هارنی از دیگر ناظران خارجی آن لحظات در ایران بود: «به خبرنگاران گفته بودند ساعت ۱۰ صبح برای مصاحبه مطبوعاتی با شاه در کاخ شاه حاضر باشند، اما خبرنگاران را با اتوبوس به فرودگاه بردند و ساعت ۱۰/۳۰ به آنان گفته شد سفر شاه لغو شده است و با خبرنگاران مصاحبه نخواهد کرد. اما چند ساعت بعد رادیو از خروج شاه از کشور خبر داد... از ساعت دو بعد از ظهر که خبرش در همه جا پیچید، حتی در محله اعیانی الهیه، در عرض چند دقیقه اتومبیلها شروع به بوق زدن و روشن کردن چراغها کردند. هیجان بالا گرفته بود.»<sup>۱۳</sup>

آذر آریان پور، بعدها، هنگام نگارش کتاب پشت دیوارهای بلند (از کاخ تا زندان) روز خروج شاه از کشور را این گونه یادآوری می کند:

اندکی بعد از صرف ناهار، گوینده تلویزیون با هیجان مردم را به شنیدن خبر مهمی دعوت کرد: «بینندگان عزیز، توجه شما را به پیام اعلی حضرت همایونی که چند لحظه قبل از ترک وطن از فرودگاه مهرآباد پخش می شود، جلب می کنیم.» همه نفسها را در سینه حبس کردیم تا به آخرین پیام شاه گوش بدهیم. شاه با قیافه خسته و آزرده ای در صفحه تلویزیون ظاهر شد. ملکه فرح با چهره ای گرفته در کنار همسرش ایستاده بود. پس از سخنان شاه که با کلماتی لرزان ادا شد، آنها سوار هواپیما شدند و کشور را ترک کردند. ظرف چند ثانیه مردم با هیجان دیوانه واری به خیابانها ریختند تا سقوط نهایی یک دیکتاتور را جشن بگیرند. ما هم به مردم پیوستیم تا از نزدیک شاهد این مراسم استثنایی باشیم. صدای بوق ممتد اتومبیلها گوش را کر می کرد. گروهی از مردم به سربازخانه حشمیه رفتند و ضمن تقدیم گل و شیرینی از سربازها دعوت کردند که اسلحه را زمین بگذارند و به مردم بپیوندند. سربازها به روی مردم لیخنند می زدند... مردم از فرط شادمانی یکدیگر را در آغوش می گرفتند و پایکوبی می کردند: تصاویر آیت الله خمینی زینت بخش شیشه اتومبیلها بود. من هرگز ملت ایران را چنان شادمان ندیده بودم.<sup>۱۴</sup>

مینو صمیمی برخی جزئیات مربوط به پیش از خروج شاه از کشور را ذکر کرده است: «منشی مخصوص فرح به هر کدام از کارکنان اعضای دفتر مخصوص فرح یک سکه طلا با نقش «شهبانو» داد که نامه ای مبنی بر قدردانی فرح از فعالیتهای آنان به همراه داشت. فرح به کارکنان دفتر مخصوص تأکید کرده بود که امید خود را از دست ندهند چون اطمینان دارد که بزودی به ایران باز خواهد گشت.»<sup>۱۵</sup>

اردشیر زاهدی، آخرین سفیر شاه در آمریکا، در کتاب ۲۵ سال در کنار پادشاه، درباره خروج شاه از کشور می نویسد؛ شاه در پایون سلطنتی مهرآباد منتظر نتیجه رأی اعتماد مجلس شورای ملی به دولت شاپور بختیار بود تا کشور را ترک کند. «پس از آنکه هواپیمای سلطنتی از باند مهرآباد برخاست و خبر مسافرت شاه از رادیوی ایران پخش شد مردم به خیابانها ریختند و شعار دادند که نه



بعد از ظهر خبر عزیمت شاه را پخش کرد. در آن ساعت من و همسر من و سایر اعضای سفارت و خانواده هایشان همه در محوطه سفارت بودیم. ناگهان همه شهر از شادی منفجر شد و صدای بوق اتومبیلهایی که در حرکت بودند در فضا پیچید. از آن لحظه تا هنگام غروب مردم در خیابانها به رقص و شادی مشغول بودند. اتومبیلها با چراغ روشن و به صدا درآوردن بوقهای خود حرکت می کردند. مردم به طرف سربازها رفته و آنها را می بوسیدند و شماره های فوق العاده روزنامه ها را با عناوین درشت «شاه رفت» توزیع می کردند. در عرض چند ساعت مجسمه های شاه و پدرش در میدانی

شهر سرنگون شد که خود پیش درآمد سقوط رژیم بود. من هرگز صحنه های آن روز را فراموش نمی کنم. ما برای تماشای حرکات مردم در مقابل در بزرگ سفارت ایستاده بودیم. مردمی که در خیابانها حرکت می کردند همه در شور و هیجان بودند و هنگام عبور از برابر ما دست تکان می دادند و بعضیها روزنامه هایی را که عنوان درشت «شاه رفت» بر روی آن نقش بسته بود به ما می دادند. سربازان گارد محافظ سفارت عاقلانه چنین وانمود می کردند که در شادی مردم شریک هستند. تظاهرکنندگان روی اتومبیل زره پوش آنها رفته و شعار می دادند و لوله های تفنگ سربازان با شاخه های گل مسدود شده بود.<sup>۱۱</sup>

ویلیام سولیوان، سفیر آمریکا در تهران، نیز خاطرات خود را از آن روز در کتاب مأموریت در ایران چنین ثبت کرده است: «شاه و شهبانو و همراهانشان طبق برنامه پیش بینی شده با تشریفات ساده ای از پایون سلطنتی، فرودگاه مهرآباد ایران را ترک گفتند. جریان عزیمت شاه بعد از ظهر همان روز از رادیو و تلویزیون ایران پخش شد و ساعتی بعد شهر تهران را غوغا و هیجان بی سابقه ای فراگرفت. جشن رفتن شاه سه یا چهار ساعت با حرکت دسته های تظاهرکنندگان در خیابانها و صدای بوق اتومبیلها و روشن کردن چراغها ادامه یافت. با عزیمت شاه از ایران مسئولیت حکومت و

شاه می خواهیم نه شاپور! من همان شب که فیلم این تظاهرات و شادی مردم از رفتن شاه را دیدم متوجه شدم که تاریخ شاهنشاهی ایران به پایان رسیده و شاپور بختیار هم نخواهد توانست سلطنت را نجات بدهد. متأسفانه ارتشها هم از رفتن شاه اظهار شادی کرده و سربازان مسلح عکسهای [امام] خمینی را به سرنیزه های خود نصب کرده و شادی می کردند.<sup>۱۶</sup>

بیشتر رسانه ها نیز به انعکاس گسترده خروج شاه از ایران پرداختند. رادیو بی بی سی ساعت ۱۵/۱۵ اعلام کرد: «شاه ایران و همسرش فرح پهلوی بامداد امروز تهران را به طور ناگهانی و مخفیانه ترک نمودند. وقی که شاه از پله های هواپیمای جت مخصوص خود بالا می رفت آشکارا گریه می کرد و گفت بدان دلیل به تعطیلات می رود که خسته است و از پاسخ به این پرسش که کی باز خواهد گشت خودداری نمود و اظهار داشت که این بستگی به وضع مزاجی او خواهد داشت ... شاه پس از ورود به قاهره به استراحتگاه زمستانی رئیس جمهور مصر در اسوان خواهد رفت.»<sup>۱۷</sup>

روزنامه الاهرام سفر شاه را به مصر چند روزه اعلام کرد. سخن گوی دولت مصر درباره علت دعوت مصر از شاه ایران گفت که مردم مصر از شاه به خاطر کمکهای مالی و تحویل نفت به آن کشور و همچنین حمایت شاه از ابتکار صلح سادات با اسرائیل سپاسگزارند. نخست وزیر مصر هم گفت سفر شاه باعث شرمندگی مصر نیست، زیرا وی هنوز شاه ایران است. بی بی سی احتمال داد که شاه از مصر به آمریکا برود و اضافه کرد: «خروج شاه که مدتها انتظار آن می رفت شاید یکی از مهم ترین سفرهای شاه در تاریخ باشد که بی سر و صدا صورت گرفت، آن هم در میان سردرگمیهای چند روز گذشته که در همه جای تهران دیده می شود و به خبرنگاران که گفته شده بود در مصاحبه مطبوعاتی شاه حاضر شوند، این فرصت داده نشد از شاه دیدار کنند و شایع شد که شاه سفرش را به تعویق انداخته است. در شرایط کنونی بحران ایران که شاه را وادار به خروج از ایران کرده است احتمال بازگشت شاه به کشور بسیار کم است و سفر شاه ممکن است عملاً تبدیل به تبعید وی شود.»<sup>۱۸</sup>

بخش فارسی رادیو مسکو نیز در ساعت ۱۸/۳۰ از تهران گزارش داد: «امروز شاه ایران کشور را که در آتش اغتشاشات و تظاهرات مردم علیه رژیم کنونی و مداخله آمریکا می سوزد ترک گفت.»<sup>۱۹</sup> همین رادیو در ساعت ۲۰ نیز اعلام کرد خبرنگاران غربی از عزیمت شاه که با شتاب انجام گردید، از منابع خصوصی مطلع شدند. خبر رسمی پس از آنکه هواپیمای حامل شاه از محدوده ایران خارج شد، منتشر گردید.<sup>۲۰</sup>

خبرگزاری آسوشیتدپرس نیز از مبدأ تهران گزارش داد که شاه در پی لغو غیرمنتظره کنفرانس مطبوعاتی خود که قرار بود در فرودگاه مهرآباد تشکیل دهد و طی آن علت مسافرت خود را به خارج تشریح کند، تهران را ترک گفته است.<sup>۲۱</sup> خبرگزاری فرانسه از اسوان گزارش داد که

نظامیان مصری برای استقبال از شاه آمادگی کامل دارند.<sup>۲۲</sup>

نشریات خارجی به تحلیل شرایط ایران پس از خروج شاه از کشور پرداختند. روزنامه تایمز مالی نوشت: «بعید به نظر می رسد که شاه بتواند به ایران باز گردد. شاه در سال ۱۹۵۳ به کمک ارتش و قدرتهای خارجی توانست بار دیگر به قدرت برسد ولی امروز بحران ایران با آن زمان فرق دارد و جدتر است.» روزنامه اسکاتمن نیز همین موضوع را تکرار کرد: «خروج شاه از ایران پایان حکومت وی است.»<sup>۲۳</sup>

بخش فارسی رادیو کلن به نقل از مطبوعات آلمان گفت: «شاه هنگام ترک ایران اشک در چشمانش حلقه بسته بود؛ امری که البته بی مورد نیست، ولی هیچ کس نمی تواند قبول کند که مردم ایران به خاطر وی یک قطره اشک ریخته باشند. به همین دلیل مسافرت شاه در عین حال به معنای سرنگون شدن اوست.» رادیو کلن این نکته را هم افزود که مردم ایران از یک سو از خارج شدن شاه از ایران شادی می کنند و از سوی دیگر خود را آماده استقبال پرشور از آیت الله خمینی می سازند. روزنامه آلمانی فرانکفورتر روند شاد در تفسیری از اوضاع ایران نوشت: «شاه که زمانی سلطان پر قدرتی بود در حال حاضر یک فراری پول دار است که به فروپاشی اتحاد و یگانگی نیروهای پیروز امروز در ایران امیدوار است.»<sup>۲۴</sup>

اما تحلیلهایی که ناظران داخلی و خارجی پس از رفتن شاه ارائه کردند، خواندنی است. پرویز راجی، آخرین سفیر شاه در لندن، در کتاب خدمت گزار تخت طاووس می نویسد: «... شاه در حالی که به تقلید از پدرش یک مشت خاک ایران را به نشانه علاقه اش به خاک وطن به همراه خود داشت، شخصاً هدایت هواپیما را به عهده گرفت و از ایران رفت.» وی در ادامه با انتقاد از چگونگی خروج شاه از کشور می نویسد: «بعد که بیشتر راجع به مسئله خروج شاه فکر کردم، به نظرم رسید که نحوه عمل شاه به هنگام عزیمتش اصلاً پسندیده نبود و واقعاً جز دامن زدن و وحشت و نگرانی من و امثال من ثمر دیگری نداشته است. چون اگر او قبل از خروج اقدام به تشکیل کنفرانس مطبوعاتی می کرد، با زیرکی می توانست ضمن برپایی یک مجلس غیررسمی و خودمانی، همراه با طرح سئوالات پر سر و صدا و مسئله برانگیز از سوی خبرنگاران - که شاید تنها می توانست اعصاب له شده اش را کمی بیشتر متشنج کند - سبب جلب توجه رسانه های جهانی به سوی خود شود. ولی شاه دست به این کار نزد و شاید هم دلیلش این بود که نمی خواست در آخرین لحظات، مردم او را با وضعی آشفته - که حاصل سئوالات گیج کننده خبرنگاران است - مشاهده کنند. در حالی که حداقل می توانست با یک نطق غم انگیز تلویزیونی دست به یک «کودتاتر» بزند و ضمن تحریک احساسات مردم، به آنها یادآوری کند که فقط به خاطر جلوگیری از خونریزی بیشتر قصد ترک کشور را دارد و از مردم بخواهد که مبادا تا آنجا پیش بروند که تمامیت ارضی ایران را به خطر بیندازند.»<sup>۲۵</sup>

جشن سقوط شاه، از مشتریان خود به مدت یک هفته مجانی پذیرایی می‌کند. حسین پورشفیعی، صاحب «رستوران عمرخیام» در این باره گفت: «این اقدام وی ده هزار دلار برایش آب خواهد خورد. اما من می‌خواهم هم دردی خود را به خاطر آن مردمی که در ایران تحت دیکتاتوری شاه تحمل [رنج] کرده و قربانی داده‌اند نشان دهم.<sup>۳۲</sup>»

ساعاتی پس از خروج شاه از ایران برخی از خیرگزاریه‌ها ورود او را به اسوان مخابره کردند. «شامگاه سه‌شنبه، شاه ایران شام را میهمان پرزیدنت سادات بود.»<sup>۳۳</sup> امروز همچنین پزشک فرانسوی شاه برای معاینه وی از فرانسه عازم مصر شد. با توجه به آنکه تنها این پزشک و برخی از افراد بسیار نزدیک شاه از سرطان او اطلاع داشتند، پزشک مخصوص، مخفیانه و ناشناس راهی مصر شد.<sup>۳۴</sup>

جهان سادات که به همراه همسرش انور سادات در فرودگاه مصر به استقبال شاه شتافته بود، در کتاب زنی از مصر صحنه‌های ورود شاه را بیان کرده است: «شاه خسته و فرسوده و بی‌حال از هواپیما خارج شد. گارد احترام مراسم نظامی به عمل آورد. ۲۱ تیر توپ شلیک شد. دسته موزیک، سرود شاهنشاهی و سرود ملی مصر را نواخت. سادات به شاه نزدیک شد و ضمن بوسیدن گونه‌های او گفت: محمد مطمئن باش در کشور خودت و در میان ملت خود و برادرانت هستی» شاه با شنیدن این حرف چشمانش پر از اشک شد.»

امروز یک ساعت قبل از خروج شاه از ایران، شاپور بختیار از مجلس شورای ملی رأی اعتماد گرفت. قبل از شروع رأی‌گیری چند نفر از نمایندگان در موافقت و مخالفت با دولت بختیار صحبت کردند. سپس بختیار در جمع نمایندگان اعلام کرد که بزودی لایحه تشکیل دادگاه ملی و لایحه انحلال ساواک را به مجلس خواهد آورد. بختیار افزود بازجویی از تیمسار نعمت‌الله نصیری آغاز شده است. وی تأکید کرد که اجازه می‌دهد هر کسی هر چه می‌خواهد بگوید اما به افراد اجازه نخواهد داد که هر کاری دلشان خواست بکنند. بختیار برنامه دولتش را منطبق با اساس نامه جبهه ملی خواند و گفت آنچه جبهه ملی می‌خواهد در برنامه دولت خودم می‌آورم. بختیار خود را به پلی تشبیه کرد که ما بین ایران دیروز که اختناق و فساد و خفقان آن را فرا گرفته بود، و ایران آینده قرار گرفته است. وی به نمایندگان گفت وقتی کارها در مسیر عادی خود افتاد، اگر خواستید می‌مانیم و الاً مرخص می‌شویم. بختیار افزود برای حفظ منافع نفتکشهای کشورهای بزرگ، رُل ژاندارم را در خلیج فارس بازی نخواهیم کرد.<sup>۳۵</sup> به نوشته روزنامه آیندگان، بختیار در جلسه امروز مجلس شورای ملی درباره آیات عظام نیز گفت: «آن‌ها بالاتر از این هستند که بیابند وارد گود سیاست شوند، بلکه باید دولت‌ها را از موضع عالی خود ارشاد و راه‌نمایی کنند. بختیار در ادامه جلسه، نامه‌ای را که در خرداد ۱۳۵۶ به اتفاق دکتر کریم

منصور رفیع زاده، آخرین رئیس شعبه ساواک در امریکا، نسبت به بازگشت شاه به ایران ناامید نبود. او در خاطرات خود می‌نویسد: «شاه می‌دانست که این بار مشکلات او بسیار بیشتر از زمانی است که در کودتای ۱۹۵۳ [۲۸ مرداد ۱۳۳۲]، او را مجبور به رفتن به یک تعطیلات کوتاه مدت کرد. او همچنان امیدوار بود که متحدین نیرومندش به خاطر منافع خودخواهانه خویش، خیلی زود او را به قدرت بازگردانند. او با خود عهد کرده بود که در بازگشت، افراطیون مسلمان را یک بار برای همیشه قلع و قمع نماید.»<sup>۲۶</sup>

اما غیر از شادمانی مردم در خیابانهای شهر، چه حوادث دیگری در پس رفتن شاه، در جریان بود؟ ژنرال رابرت هایزر که در جلسه‌ای با سران نظامی ارتش ایران اظهار داشته بود «با برخاستن هواپیمای شاه، سلطنت از تخت طاووس هم به هوا برخاسته است» درباره وضع سران ارتش ایران در کتاب مأموریت در تهران می‌نویسد: «احساسات داخل اتاق، از کنترل خارج شد و صدای هق هق گریه به هوا برخاست. یکی از افراد داخل اتاق سرش را روی شانه من گذاشت و گریست. عده‌ای هم به لطفیه گفتن پرداختند. همه اینها نشانه ترس و از هم پاشیدگی ذهنی آنها بود.»<sup>۲۷</sup>

با انتشار خبر خروج شاه از کشور خبرگزاری فرانسه از تعطیلی دفتر هیئت نمایندگی ایران در نیویورک خبر داد و از قول این نمایندگی نوشت که اشرف پهلوی را نه به عنوان رئیس هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد و نه به عنوان نماینده ایران در کمیسیون حقوق بشر یا در سایر ارگانهای سازمان ملل قبول ندارد.<sup>۲۸</sup> رادیو بی بی سی نیز اعلام کرد که تعطیلی این دفتر به نشانه ابراز همبستگی و یگانگی با مردم ایران صورت گرفته است.<sup>۲۹</sup> فریدون هویدا، نماینده وقت ایران در سازمان ملل، در کتاب سقوط شاه نوشت که پس از خروج شاه از ایران اعضای سفارت خانه‌های ایران در کشورهای خارجی گردهم آمدند و ضمن تصمیم‌گیری برای اظهار همبستگی با مخالفان رژیم شاه و برداشتن تصاویر شاه و خانواده سلطنتی از سفارت خانه‌ها، خواسته‌های خود را به وزارت امور خارجه ایران منعکس کردند.<sup>۳۰</sup>

اعضای سفارت ایران در لندن این سفارت خانه را به مدت یک روز تعطیل کردند. این تصمیم از سوی مهدوی (وزیر مختار) به اطلاع پرویز راجی، سفیر عزل شده ایران در لندن، رسانده شد. اما راجی با این درخواست مخالفت کرد و گفت: «... وقتی که کارمندان سفارت خانه برای بروز احساسات انقلابی خود آن قدر صبر می‌کنند تا شاه از کشور خارج شود، من هرگز نمی‌توانم برای شجاعت و وفاداری آنها احترامی قابل باشم و به همین جهت نیز نه تنها از تعطیل کردن سفارت خانه حمایت نمی‌کنم، بلکه تا لحظه عزیمت از لندن، هر روز به سرکارم خواهد آمد و هیچ کس هم نمی‌تواند مرا از چنین تصمیمی منصرف کند.»<sup>۳۱</sup>

خبرگزاری آسوشیتدپرس از موت‌رال کانادا گزارش داد که یک رستوران ایرانی به مناسبت

پهلوی با سرعت بیشتری رخ می داد. وقتی پیشنهاد بی درنگ استعفای بختیار در ۱۶ ژانویه [۲۶ دی] از طریق بازرگان به [امام] خمینی منتقل شد او پاسخ نداد، و به اطرافیان گفت که خیلی زود است زیرا هنوز احتمال بر خوردهای شدید با ارتش وجود دارد. الآن وقت مناسبی برای استعفای بختیار نیست؛ بگذارید این کار بعداً وقتی انقلابیون حداقل با چند تن از تیمسارهای برجسته به توافق برسند انجام شود.» امیرارجمند در ادامه می افزاید: «به واقع هم خیلی زود بود. روش جدید در مورد نظامیان - گل در لوله اسلحه ها و تاج گل بر روی سلاحهای تانکها - به تازگی در طی تظاهرات ۱۵ ژانویه [۲۵ دی] به کار گرفته شده بود.»<sup>۴۲</sup>

خبر خروج شاه از ایران به سرعت به سراسر جهان از جمله نوفل لوشاتو رسید. با توجه به اختلاف ساعت تهران و پاریس خبر خروج شاه حدود ساعت ۱۲ به وقت محلی در نوفل لوشاتو پخش شد. امام خمینی ابتدا پیامی در سه بند صادر کردند که بلافاصله در اختیار تمامی خبرنگارهای خارجی قرار گرفت:

الف: خروج شاه از ایران اولین مرحله پایان یافتن سلطه جنایت بار پنجاه ساله رژیم پهلوی می باشد که به دنبال مبارزات قهرمانانه ملت ایران صورت گرفته است. من این پیروزی مرحله ای را به ملت تبریک می گویم و بیانیه ای خطاب به ملت صادر خواهم کرد.  
ب: ما بزودی دولت موقت انتقالی را برای اجرای انتخابات مجلس مؤسسان و تصویب قانون اساسی جدید معرفی می کنیم.

ج: بازگشت من به ایران در اولین فرصت مناسب انجام خواهد شد.<sup>۴۳</sup>

خبرنگاران خارجی نیز با اجتماع در برابر ساختمان محل اقامت امام خمینی جوایب نظر ایشان درباره خروج شاه شدند. ساعتی بعد ترجمه انگلیسی پیام امام خمینی توسط صادق قطب زاده در اجتماع پانصد نفره خبرنگاران خارجی قرائت و بلافاصله به سراسر جهان مخابره شد.<sup>۴۴</sup> اما خبرنگاران خارجی اصرار داشتند با امام خمینی مصاحبه کنند. به گفته حاج سیداحمد خمینی «روزی که شاه فرار کرد، تمام نمایندگان رسانه های گروهی دنیا در نوفل لوشاتو با حضرت امام برنامه داشتند. شاید ۱۵۰ شبکه تلویزیونی در سراسر دنیا به طور مستقیم این برنامه را پخش می کردند، زیرا یکی از بزرگ ترین رویدادهای تاریخ انقلاب به وقوع پیوست. همه می خواستند نظر امام را بدانند. ایشان چند دقیقه صحبت کردند. بعد از من سؤال کردند ظهر شده است؟ گفتم همین الآن ظهر شد. امام گفتند والسلام علیکم ورحمة الله. در آن لحظه ایشان، موضوع به آن اهمیت را به خاطر اقامه نماز اول وقت رها کردند. در شرایطی که رسانه های بیگانه برای میلیونها بیننده خود در حال ارسال خبر و مصاحبه امام بودند، امام اقامه نماز در اول وقت را بر ادامه مصاحبه ترجیح دادند.»<sup>۴۵</sup>

سنجایی و داریوش فروهر به شاه نوشته بود قرائت کرد و گفت: «در آن زمان همین حرفهایی که این روزها در مجلس شنیدم در آن نامه آورده ایم.» پیش از سخنان بختیار، رستم رفعتی و پارسای مطلق در موافقت و مخالفت با دولت جدید سخن رانی کردند.<sup>۳۶</sup> همچنین محسن پزشکیپور، نماینده خرمشهر، در مخالفت با برنامه دولت سخن گفت. پزشکیپور در بخشی از سخنان خود به اظهارات بختیار درباره خلیج فارس پرداخت و گفت این سخن خطرناک ترین زمزمه ای است که من شنیده ام. سرنوشت و حوادث خلیج فارس هرگز نمی تواند جدا از سرنوشت و استقلال و موجودیت ملت ایران باشد.<sup>۳۷</sup> علی دوانی در کتاب نهضت روحانیون ایران درباره جلسه امروز مجلس شورای ملی می نویسد: «چون بنا بود روز ۲۶ دی، شاه از کشور خارج شود در میان بیم و امید، قبل از ظهر آن روز دکتر شاپور بختیار در میان شدیدترین تدابیر امنیتی به مجلس شورا رفت و به اصطلاح رأی اعتماد گرفت. درست در همان موقع که او در مجلس بود انبوه مردم انقلابی با در دست داشتن عکس های امام خمینی در جلو مجلس اجتماع کرده بودند و به نفع امام خمینی شعار می دادند و فریاد می زدند بختیار دولت بی اختیار.»<sup>۳۸</sup>

سرنجام ساعت ۱۲ رأی گیری درباره دولت جدید برگزار شد و از ۲۰۵ نماینده حاضر در جلسه ۱۴۹ نفر به دولت شاپور بختیار رأی اعتماد دادند. همچنین ۴۳ نفر رأی مخالف و ۱۳ نفر نیز رأی ممتنع دادند.<sup>۳۹</sup> شاپور بختیار معتقد بود، نمایندگان مجلس، اجتماعی مبتذل هستند که به برکت ساواک زیر سقف مجلس جمع شده اند.<sup>۴۰</sup> او از همین جمع متبذل رأی اعتماد گرفت و آن را کسب قانونی مقام نخست وزیری نامید.

گفته می شود بختیار پس از بدرقه شاه و همراهانش با شورای انقلاب تماس گرفت. ابراهیم یزدی در کتاب آخرین تلاشها در آخرین روزها آورده است: «بختیار پس از انتصاب، اقدام به تماس با شورای انقلاب نمود و برای این کار ابتدا با آقای مهندس [مهدی] بازرگان تماس گرفت. در ۲۶ دی ۱۳۵۷ یعنی همان روز خروج شاه از کشور آقای بازرگان از تهران به نویسنده [ابراهیم یزدی] تلفن زدند و اطلاع دادند که: «بختیار مع الواسطه (توسط مهندس حسینی) با ایشان تماس گرفته و پیغام داده است که «آقا» چه امری دارند؟ بروم یا بمانم. خدمتی که باید انجام بدهم داد چه مصلحتی می دانید. مطلب را یادداشت کردم تا با امام مطرح ساخته و نظرشان را پرسیم. اما وقتی پیغام را با امام در میان گذاشتم ایشان پاسخ ندادند، من هم بی گیری نکردم و مسئله مسکوت ماند.»<sup>۴۱</sup> سعید امیرارجمند نیز در این باره می نویسد: «شواهد جذاب جدید نشان می دهند که بختیار در همان روزی که شاه رفت درخواست استعفا کرد. احتمالاً اگر به خاطر نگرانی [امام] خمینی از ارتش و این اعتقاد او که قبل از موفقیت انقلاب باید بر اجزایی از ارتش غلبه پیدا کرد، نبود سقوط حکومت



خیمینی با رد این احتمال فرمودند: «دیکتاتوری نظامی و قتش گذشت. اگر چنانچه کسی دست به دیکتاتوری یا کودتای نظامی بزند خواهد فهمید که موفق به هیچ چیز نخواهد شد و برای خودش و برای کسانی که مربوط به خودش است ذلت [به] بار خواهد آورد. باید همه اشخاصی که می خواهند در ایران برای منفعت طلبی دست به اعمال ضد مردمی بزنند، باید همه بدانند که وقت اینها گذشته است. ملت ایران دیگر آن ملت سابق نیست و تبلیغات سوء اثر خود را از دست داده است. باید ملت راه خودش را ادامه دهد تا به آنچه می خواهد برسد و آن قطع دیکتاتوری است و ایجاد یک مملکت آزاد، که همه طبقات و اقشارش آزاد [باشند] و یک مملکت مستقل که هیچ قدرتی در آن نتواند دخالت بکند. ان شاء الله در آینده بسیار نزدیک این آرزو تحقق پیدا می کند و ما دولت را به همین زودی معرفی خواهیم کرد.» آخرین سؤال خبرنگاران خارجی درباره «موقعیت و نقش زنان در دولت آینده» بود که رهبر انقلاب اسلامی پاسخ دادند: «موقعیت یک انسان صحیح و یک شخصیت آزاد؛ برخلاف این زمانها که بر ما گذشت که نه زنهائمان آزاد بودند و نه مردانمان.»<sup>۴۶</sup> رهبر انقلاب اسلامی امروز همچنین به پرسشهای خبرنگار مجله آلمانی اشترن درباره آزادی احزاب در جمهوری اسلامی پاسخ دادند.<sup>۴۷</sup>

حجت الاسلام هادی غفاری که در نوفل لوشاتو حضور داشت درباره شادی یاران امام خمینی از روز فرار شاه در گفت و گو با واحد تاریخ شفاهی دفتر ادبیات انقلاب اسلامی می گوید: «روز فرار شاه دیدیم نوفل لوشاتو دوباره غرق گل و شادی شد. ما نیز فریاد شرف سر دادیم. این یکی از پیروزیهای بزرگ آن دوران به شمار می رفت. حتی بچه های توی حیاط، حالت رقص به خود گرفته بودند و فریاد می زدند: «شاه فرار کرد!» روزنامه های خارجی فرار او را تیتیر کرده بودند و بعد مطرح می کردند که آیا ۲۸ مرداد تکرار خواهد شد؟ بچه ها وقتی به هم می رسیدند، تبریک می گفتند. یکی از بچه ها، دیگری را روی کولش سوار کرده بود و توی حیاط بلند فریاد می زد: «شاه فرار کرد. شاه ایران مرد.» حجت الاسلام هادی غفاری می افزاید؛ در این بین یکی از خبرنگاران خارجی از امام خمینی پرسید نظر شما در مورد در رفتن شاه چیست؟ و امام فرمودند: «شاه نرفت، مردم شاه را بیرون کردند.»<sup>۴۸</sup>

یکی از حاضران در نوفل لوشاتو نیز در خاطرات خود از رفتار امام خمینی پس از اعلام خبر خروج شاه از ایران می گوید: «برای خبرنگارها و افراد خارجی عجیب بود که امام کسی را که می خواستند از ایران بیرون کنند رفته، امام هیچان ندارند و طبق قرار معمولی می آیند، اما به دلیل ازدیاد خبرنگارها یک ساعت بعد آمدند. محل صحبت آقا، سرایشی بود، یک صندلی گذاشتیم تا امام مصاحبه کنند. من تصور می کردم که امام هیچانی می شوند. خودم را نزدیک ایشان نگه می داشتم اما دیدم هیچ هیچانی نشدند. قاعدتاً ما آنجا دستگاه صوتی مرتبی هم نداشتیم؛ به وسیله یک



امام خمینی پس از نماز در جمع خبرنگاران خارجی حاضر شدند و به سؤالات آنان پاسخ دادند. اولین خبرنگار از ایشان پرسید: «اولین قدم سیاسی حضرت آیت الله بعد از خروج شاه چیست؟» امام خمینی در پاسخ فرمودند: «خروج شاه اولین مرحله پیروزی ملت ماست، و ما مشکلات زیادی در پیش داریم؛ و ملت ما باید بداند که مجرد رفتن شاه، پیروزی نیست بلکه طلیعه پیروزی است. و البته این طلیعه را من به ملت ایران تبریک عرض می کنم. و باید توجه داشته باشند که همان طوری که طلیعه پیروزی است، طلیعه خلع سلاح اجانب است، و این تبریک بیشتر از تبریک رفتن شاه است. و ما الآن مسائل بسیار مشکل در پیش داریم و وارث

یک مملکت از هم پاشیده ای هستیم که این خرابیها در ظرف پنجاه سال سلطنت پهلوی و بیشتر از سی سال سلطنت محمدرضا خان به وجود آمده است که ما باید برای ترمیم آن با همت جمیع طبقات قیام کنیم. اولین قدمی که ما باید برداریم ترمیم این خرابیهای است که به وسیله او که از عمال خارجی بود حاصل شده است؛ و این میسر نیست الا کمک کردن جمیع طبقات. من از جمیع طبقات ملت با کمال تواضع تقاضا دارم که در این مشروع اسلامی و در این مشروع ملی همه با هم کمک کنند، همه دست به دست هم بدهند، اختلافات حزبی و مسلکی را کنار بگذارند، اختلافات قدیمی و جدید را کنار بگذارند، اختلافاتی که مربوط به احزاب است کنار بگذارند و همه با هم - با صدای واحد، با یک واحد - قیام کنند؛ قیام به امر مهمی که نجات دادن کشور است، نجات دادن این کشتی متزلزل است.»

امام خمینی در ادامه از مردم خواستند کنترل شهرها و دهات را به دست بگیرند. ایشان همچنین ضمن هشدار به افراد فرصت طلب از آنها خواستند به آغوش ملت بازگردند. خبرنگاری از رهبر انقلاب اسلامی پرسید: «آیا حضرت آیت الله تصور نمی فرمایند که اگر با دولت بختیار همکاری نفرمایند احتمال یک دیکتاتوری نظامی و خونریزیهای جدید خواهد بود؟» امام

در همین حال سفارت آمریکا در تهران گزارشی با عنوان «بازگشت [امام] خمینی به ایران عقب می افتد» به وزارت امور خارجه آمریکا ارسال کرد. در این گزارش که با امضای ویلیام سولیوان ارسال شد، آمده بود: «۱- [عباس] امیرانتظام از نهضت آزادی عضو کمیته مرکزی، مسئول سیاسی حدود یک ساعت و نیم بعد از رفتن هوایمی شاه تلفن زد که سفارت را مطلع کند که آیت الله خمینی در آینده نزدیک بر نمی گردد. علت این مسئله را مسائل امنیتی ذکر کرد. ۲- مطلب بالا بهترین اطلاعات نهضت آزادی است. ولی مخاطبها باید در نظر بگیرند: الف) محدوده زمانی مشخص نیست. ب) نهضت آزادی در روزهای اخیر در مورد بازگشت فوری [امام] خمینی کمی بی تفاوت شده اند. البته اطرافیان [امام] خمینی در پاریس عقیده دیگری دارند که ممکن است خیلی زود تصمیم [امام] خمینی عوض شود.»<sup>۵۵</sup>

جان. دی استمپل، وابسته سیاسی سفارت آمریکا در تهران، نیز در این باره می گوید: «نهضت اسلامی در ایران، برای بازگشت [امام] خمینی قبلاً برنامه خود را آغاز کرده بود. روزی که شاه ایران را ترک کرد، نهضت اسلامی اولین پیشنهاد خود را در مورد بازگشت [امام] خمینی به بختیار، سفارت ایالات متحده و سفارت فرانسه ارائه کرد. این دیپلماتها پیشنهاد کردند که عاقلانه است قبل از مذاکره با ارتش و فراهم آوردن ترتیبات [لازم]، اقدامی برای بازگشت [امام] خمینی به عمل نیاید. امریکاییها و فرانسویها می دانستند، انگلیسیها مشکوک بودند که بختیار در استقرار یک پایگاه سیاسی و یا دور کردن هم قطاران پیشین خود از اطراف [امام] خمینی شکست خورده است.»<sup>۵۶</sup>

ژنرال رابرت هایزر ظهر امروز در جلسه کمیته بحران که با شرکت سران ارتش ایران برگزار شد، شرکت کرد. او پس از شرح این جلسه، درباره احتمال بازگشت امام خمینی به ایران می نویسد:

بحث، به اقدام بعدی [امام] خمینی رسید و منجر به مباحثات بسیار شدید شد، آنها مطمئن بودند که او فوراً به کشور باز خواهد گشت. برای دور کردن او، چه کاری باید انجام می شد؟ چرا او همین حالا باز نمی گشت؟ بحث به جایی رسید که باید کمی تند می شدم. گفتم: حالا ما منتظریم که توان خود را در حمایت از بختیار آزمایش کنیم و طرحهای کافی را هم برای این منظور داریم. این حرف، با فریاد قره باغی و ربیعی تأیید شد که گفتند بله ژنرال! شاه به ما گفته است که به شما اعتماد کنیم، به حرف شما گوش کنیم و از شما اطاعت کنیم.

در پایان جلسه امروز، سران ارتش به هایزر اطمینان دادند که امشب کودتایی رخ نخواهد داد. هایزر نیز به سفارت آمریکا در تهران رفت و ساعت ۲۲/۳۰ در اتاق تماس امن سفارت تلفنی با برژنسکی، براون و ژنرال جونز به گفت و گو پرداخت. هایزر از اوضاع امروز ایران، وضع

میکروفون که جلو امام گرفتیم امام صحبت کردند. این اولین سخن رانی امام بعد از رفتن شاه بود که خط مشی را معلوم کردند و گفتند این اولین قدمی است که برداشته شده و من آن قدر نزدیک بودم که اگر امام هیچانی می شدند من متوجه می شدم. اما نکته ظریف اینجاست که امام هیچانی نشدند. نماز خواندند، سخن رانی هم کردند و هیچ تغییری در تن صدایشان نبود.»<sup>۴۹</sup>

خبرگزاریها سخنان امام خمینی را بلافاصله به سراسر جهان مخابره کردند. خبرگزاری فرانسه از نوفل لوشاتو با انعکاس پیام امروز امام خمینی به ملت ایران به نقل از ایشان اعلام کرد که در موقع مناسب به ایران باز خواهد گشت و دولت موقت تشکیل خواهد داد. رادیو بی بی سی نیز در اخبار ساعت ۱۹/۴۵ به نقل از امام خمینی اعلام کرد که خروج شاه اولین گام در راه پایان دادن به دیکتاتوری سلسله پهلوی است. «به دنبال رفتن شاه از صحنه سیاسی ایران اکنون بیش از هر زمان دیگر آیت الله خمینی به صورت یک شخصیت اصلی تعیین کننده آینده ایران درآمده است. هنوز ساعتی از رفتن شاه نگذشته بود که انتشار اعلامیه های متعدد از طرف آیت الله خمینی آغاز شد.»<sup>۵۰</sup> در همین حال خبرگزاری یونایتدپرس از مبدأ پاریس گزارش داد: «منابع مطلع روز سه شنبه گفتند آیت الله روح الله خمینی دشمن تبعیدی شاه ممکن است در اواخر این هفته به ایران بازگردد.»<sup>۵۱</sup> خبرگزاری آلمان هم به انعکاس مصاحبه امروز امام خمینی پرداخت.<sup>۵۲</sup>

روزنامه کیهان در شماره امروز اسامی اعضای احتمالی «شورای انقلاب اسلامی» را اعلام کرد. کیهان از دکتر کریم سنجایی یا مهندس مهدی بازرگان نیز به عنوان نخست وزیر احتمالی دولت موقت نام برد و افزود بعضی از اعضای شورای انقلاب اسلامی در دولت موقت نیز عضویت دارند. کیهان در ادامه نوشت: «با توجه به اینکه گفته می شده است که این اعضا در داخل کشور هستند آیت الله طالقانی، آیت الله منتظری، دکتر کریم سنجایی (رهبر جبهه ملی ایران)، مهندس مهدی بازرگان (رهبر نهضت آزادی) و داریوش فروهر (سخن گوی جبهه ملی) مطرح ترند.»

کیهان افزوده بود مهم ترین وظیفه دولت موقت اسلامی تشکیل مجلس مؤسسان است تا این مجلس قانون اساسی جدید را که تضمین کننده عدل اسلامی است تدوین کند و شورای انقلاب اسلامی نیز بر کار این دولت موقت نظارت خواهد داشت.<sup>۵۳</sup>

امروز در محافل سیاسی اعلام شد که امام خمینی بزودی به ایران باز خواهد گشت. امام نیز تصمیم خود را برای بازگشت گرفته بود. «در ایران تقریباً همه مخالف این سفر بودند. یعنی می ترسیدند و می گفتند زود است و حق هم داشتند بترسند. انقلاب بود و امام. اگر خدای نکرده طوری می شد چه می شد! تلفن پشت تلفن که داستان را به امام بگو. من هم گفتم اما امام تصمیمشان را گرفته بودند...»<sup>۵۴</sup>

ارتش [را تسلیم یزدی کرد. و یزدی متن آن را، کلمه به کلمه به فارسی برگرداند. دکتر یزدی گفت: تا آنجا که او می‌داند، آیت‌الله قصد مراجعت فوری به ایران را ندارد. وی از اینکه بازگشت آیت‌الله به ایران با واکنش رو به رو می‌شود و موجب «برانگیختن [احساسات] مردم» خواهد شد، ابراز شگفتی کرد. زیمین گفت چنانچه ترتیبات بازگشت آیت‌الله، از پیش با دقت، به وسیله ارتش فراهم نشود، محتمل است با واکنش غیرمنتظره و ناگهانی مواجه شود. آن گاه یزدی موضوع «حمایت از قانون اساسی» را مطرح کرد و گفت اگر منظور حفظ رژیم سلطنت است، این موضوع مشکل بزرگی ایجاد خواهد کرد، اما اگر مقصود حفظ و حراست ارتش است، مسئله‌ای در پیش نخواهد بود. یزدی تأکید کرد که انقلاب خواهان اضمحلال ارتش نیست. وی با اشاره به خبرهای مربوط به نابود کردن و بردن تجهیزات مدرن ارتش، به وسیله امریکاییهایی که در ایران هستند گفت [امام] خمینی اعلام کرده است که این وسایل متعلق به مردم ایران است و ارتش باید آنها را حفظ و نگهداری کند. در پایان یزدی پرسید روال سیاست امریکا بر چه اساسی است؟ زیمین گفت هر سه سؤال را به واکنشگتن ارجاع خواهد داد.<sup>۶۳</sup>

امروز با اعلام خبر خروج شاه از ایران، سراسر کشور غرق در هیجان و شادی شد. اوج شادی مردم در تهران بود. مردم بلافاصله پس از خبر از رادیو به خیابانها ریختند. مردم در تمامی محلات تهران تظاهرات کردند و به شادی و پخش شیرینی و نقل و نبات پرداختند و مجسمه‌های شاه را پایین کشیدند و به نظامیان گل هدیه کردند. مردم به مناسبت فرار شاه شعارهای جدید سر دادند و یا روی دیوارها نوشتند:

الهی برنگردی شاه خونخوار	شدم راحت زدست ای سگ هار
مثل سگ شکاری / شاه شده فراری	برنامه آینده / شاپور بختیاره
شاه گورستان رفته / ایران گلستان گشته	تا بختیار نمیرد / مردم، خانه نمی‌رند
شاه آواره شد	بختیار بیچاره شد
اوضاع وخیم شد	مملی نفتی جیم شد
شاه فراری شده	بسته به گاری شده
آب سماور سررفت	شاه کثیف در رفت
کار شاه تمام شد	کیسه کش حمام شد
به همت خمینی به یاری مجاهد شاه فراری شده	
دشمن خلق فراری شده	ساواکی بی پدر شده
در طلوع آزادی	جای شهدا خالی <sup>۶۴</sup>
شاه رفت کجا رفت؟ به درک رفت	

ارتش، احتمال کودتا... گزارشی ارائه کرد. سپس برژینسکی از هایزر خواست احتمال کودتا را همچنان مدنظر داشته باشد و تأکید کرد برای این عمل، برنامه ریزی بسیار پرارزش است. هایزر به برژینسکی اطمینان داد که به گفته وی عمل خواهد شد اما اولویت اول باید به اجرای طرحهایی در حمایت از بختیار داده شود. با این حال برژینسکی تأکید کرد برنامه ریزی برای هر دو هدف انجام شده است.<sup>۵۷</sup>

برژینسکی در کتاب سقوط شاه، جان گروگانها و منافع ملی درباره امکان به قتل رسیدن امام خمینی در صورت بازگشت وی به ایران می‌نویسد: «پس از عزیمت شاه در ۱۶ ژانویه، براون به رئیس جمهور گزارش داد که ارتش در تهران هنوز متشکل است. در عین حال، گزارشهای هایزر منعکس کننده تشویش فزاینده نسبت به اتفاقاتی بود که پس از بازگشت آیت‌الله خمینی روی خواهد داد. براون گفت به عقیده هایزر، بازگشت آیت‌الله خمینی حتماً باعث اغتشاشات وسیعی خواهد شد و ممکن است شخص ایشان به قتل برسد و مسلماً کودتایی صورت خواهد گرفت.»<sup>۵۸</sup>

دیلیپ هیرو نویسنده هندی کتاب ایران در حکومت آیت‌الله‌ها نیز معتقد است امام خمینی مبارزات خود را از راه اعتصاب و راه پیمایی به پیش برد: «[امام] خمینی می‌دانست که روی خط پیروزی بود، اما آگاه بود که هنوز به پیروزی دست نیافته است. شاه بسیار مکارتر و قدرت طلب تر از آن بود که برای همیشه تخت طاووس را کنار بگذارد. او گفت خروج شاه بدون کناره گیری او تغییر ایجاد نمی‌کند. پیش از آنکه مبارزه انقلابی دعوی پیروزی ماندگار را داشته باشد هنوز باید چند جنگ مهم را انجام می‌داد و پیروز می‌شد. تنها راه رسیدن به پیروزی نهایی به کارگیری دو سلاحی بود که نهضت مقاومت را تا به این مرحله پیش برده بود: اعتصاب و راه پیمایی.»<sup>۵۹</sup>

خبرگزاری فرانسه امروز از نوفل لوشاتو خبر داد: «آیت‌الله العظمی خمینی شامگاه سه شنبه داریوش فروهر، سخن گوی جبهه ملی و مرد شماره دو این تشکیلات را به حضور پذیرفت.» اطرافیان امام خمینی اعلام کردند در این دیدار قرار نیست هیچ مسئله اساسی مطرح شود و فروهر برای بیان درودهایش به پاریس آمده است.<sup>۶۰</sup> جان دی. استمیل نیز در این باره می‌نویسد: «هنگامی که داریوش فروهر و حسن نزیه دو تن از رهبران جبهه ملی در پاریس، پس از خروج شاه بلاد رنگ با [امام] خمینی ملاقات کردند، جبهه ملی بر همبستگی خود با [امام] خمینی تأکید کرد.»<sup>۶۱</sup>

روز گذشته وارن زیمین، وابسته سیاسی سفارت امریکا در فرانسه به پیشنهاد وزارت امور خارجه امریکا و تأیید رئیس جمهور این کشور در دستوران نوفل لوشاتو با دکتر ابراهیم یزدی به نمایندگی از امام خمینی ملاقات و مذاکره کرده بود. امروز بعد از ظهر نیز زیمین و یزدی با هم ملاقات کردند.<sup>۶۲</sup> غلامرضا نجاتی در این باره می‌نویسد: «بعد از ظهر ۱۶ ژانویه، زیمین در مذاکرات پنجاه دقیقه‌ای خود، پیام مزبور [پیام کارتر مبنی بر عدم تسریع امام خمینی در بازگشت به

و در نتیجه تیر درشت تر و چشم گیر ... حرف آخر دو کلمه بیشتر نیست ... همان دو کلمه را [شاه رفت] روی یک تکه کاغذ کوچک نوشتم و دادم دست مژده بخش و پرسیدم عباس می توانی این دو کلمه را با دستگاه «آگران» طوری بزرگ کنی که در تمام عرض بالای صفحه اول را بپوشاند؟ بکه خورد و گفت مگر تمام شد؟ گفتم می شود اما فعلاً فقط بین من و تو باشد. می خواهم کارمان را جلو ببردیم. « صالحیار در ادامه درباره عکس شاه و فرح که در صفحه اول روزنامه اطلاعات به چاپ رسیده بود می گوید که به عباس مژده بخش گفتم در آرشیو روزنامه عکسی از شاه و فرح با لباس زمستانی در فرودگاه مهرآباد پیدا کن در حالی که آنها را پشت به دوربین در حال نزدیک شدن به هواپیما نشان می دهد. به این ترتیب تیر اول روزنامه اطلاعات و عکس مربوط به آن قبل از خروج شاه از کشور تهیه شد! <sup>۶۸</sup>

روزنامه کیهان با مطلبی با عنوان «تهران، با موجی از نور و گل و فریاد جشن گرفت» نوشت که پس از انتشار خبر رفتن شاه از ایران مردم در ساعت ۲ بعد از ظهر به خیابانهای شهر ریختند. گروهی به میدان سپه رفتند و مجسمه شاه را پایین کشیدند. گروه دیگری به میدان مخبرالدوله رفتند و مجسمه این میدان را شکستند. گروهی دیگر به میدان محسنی در شمال شهر رفتند و

مجسمه را پایین آوردند و به وسیله طنابی آن را روی زمین کشیدند و به طرف جاده قدیم شمیران حرکت کردند. مردم می خواستند مقابل حسینیه ارشاد مجسمه را آویزان کنند اما نتوانستند. سپس به طرف پل سیدخندان حرکت کردند و مجسمه را با طناب بالا کشیدند. در نزدیک پل سیدخندان مردم روی تانکها و خودروهای نظامی رفتند و عکس آیت الله العظمی خمینی را به سربازان دادند و سربازان نیز در حالی که عکس آیت الله العظمی خمینی را در دست داشتند به احساسات مردم پاسخ می دادند. در همین حال گروهی از مردم به میدان ۲۴ اسفند رفتند و مجسمه شاه را در این میدان پایین



خدا یا سفرش رو پرخطر کن ، از این واقعه ما را باخبر کن  
ما بتها رو شکستیم خمینی منتظر تو هستیم خمینی <sup>۶۵</sup>  
ای شاه خائن اگر دوباره به وطن ما باز گردی ، قدمت را گلوله باران می کنیم  
گریه کن ای بدتر از شمر و یزید گریه کن ای نوکر کاخ سفید  
اگر شاهی بمیرد از وطن دور به خواری میرندش جانب گور  
درد مردان مبارز چاره شد / چون که زنجیر اسارت پاره شد / الله الله ، نصر من الله <sup>۶۶</sup>  
مردم تهران روزنامه های عصر بویژه اطلاعات را چون پلاکارد در دستان خود گرفته بودند.  
آنها با افزودن «در» به تیر روزنامه ، «شاه رفت» را چون پیک شادی به یکدیگر نشان می دادند. <sup>۶۷</sup>

غلامحسین صالحیار ، سردبیر وقت روزنامه اطلاعات ، بعدها درباره تیر درشت این روزنامه (شاه رفت) گفت : «چون رفتن قطعی است و توانسته ایم تاریخ و حتی ساعت پرواز را هم به دست بیاوریم باید پیش بینی کارها را بکنم . می دانم در ساعتی که پرواز انجام می شود ، رساندن عکس به روزنامه و انعکاس جزئیات چگونگی انجام این حادثه مهم مقدور نیست . از این رو از فرصتی که پیش آمد استفاده کردم و عباس مژده بخش ، رئیس شعبه صفحه بندی و مسئول آرایش صفحه اول روزنامه ، را به کنج خلوت می کشم و با او به صحبت می نشینم . از مدتی قبل مسئله تیر اول روزنامه در روز رفتن شاه فکر مرا به خود مشغول کرده است . حادثه ای که اهمیت آن با هیچ یک از حوادث قبلی دوران روزنامه نویسی ام قابل قیاس نیست . آنچه برایم قطعی است آنکه حتی المقدور عبارت کوتاه تر



است و از پا آویزان شده «خری پیدا کرده ایم از صاحبش خواهش می شود خود را معرفی کند». در میدان سپه، تهرانیها جرتقیل و کابل کار می گذارند. مجسمه عظیم سوار بر اسب رضاشاه لحظه ای می لرزد و با هیاهوی فلزی سقوط می کند. جماعت از فرط لذت می گرد. در ساعات منع رفت و آمد، تمام سیمبلهای سلسله پهلوی به زیر آورده شده و ویران گردیده. میدان شهید، بنای یادبود شاه که دروازه غربی تهران است نامش تغییر می کند و از این پس میدان خمینی خوانده می شود.<sup>۷۱</sup>

مایکل ام. جی فیشر در کتاب ایران از درگیری مذهبی تا انقلاب از شادی مردم چنین می گوید: «در خیابانها جشن برپا شد. سربازان و غیرنظامیان همدیگر را در آغوش می گرفتند. شعارهای ضدامریکایی مشهود بود: پس از شاه نوبت امریکاییهاست، یانکی به خانه ات برگرد، شاه مرده است.» اما با امریکاییها در خیابان دوستانه رفتار می شود. عکس شاه را از اسکناسها در می آوردند و داستان ماندگار سگ به وجود آمد. سگی در خیابانها گردانده می شد و نوشته ای با این مضمون بر پشت او نصب شده بود: «برادر خائن من به تازگی فرار کرده است، لطفاً آن را دستگیر و مجازت کنید.»<sup>۷۲</sup> سفارت امریکا در تهران گزارشی با عنوان «عکس العمل نسبت به عزیمت شاه» به امضای ویلیام سولیوان به وزارت امور خارجه امریکا ارسال کرد: «۱- پس از انتشار خبر عزیمت شاه از طریق رادیو ملی کشور، شهر تهران یک پارچه دستخوش احساس و عاطفه گشته است. موتورسوارها با چراغهای روشن و بوق زنان در خیابانهای شهر به راه افتاده اند. افراد جوان به این سو و آن سو می دوند در حالی که خبرها را روی پوستهای دست ساز نوشته اند و آماده برگزاری تظاهرات شدند. ۲- تا ساعت ۱۶ مردم هنوز هم در حال رقص و پایکوبی بوده و گزارشی در مورد وقوع خشونت و درگیری دریافت نکرده ایم. خیابان مقابل سفارت مملو از ماشینهایی است که بوقهای خود را به صدا درآورده و یا در نقطه ای پارک کرده یا حلزون وار در میان ترافیک سنگین به سمت شرق در حرکت می باشند. گرچه سر و صدای بسیاری را به راه انداخته اند ولی سفارت هدف یا آماج احساسات آنها قرار نگرفته است. ۳- نظامیانی که برای حراست از سفارت فرستاده شده اند نظم و آرامش خوب خود را حفظ کرده اند، ولی قدری بی تابی از خود نشان می دهند. مردم به هیچ وجه نسبت به نظامیان دست به اعمال تحریک آمیز نیز نزنده اند و از طرف نظامیان نیز تیر هشدار یا اختطاری شلیک نشده است. ۴- چند لحظه پیش خبر تیراندازی در تجریش به دست مان رسید. بنا به گزارش رسیده این تیراندازی تلفاتی نیز به جای گذاشته است.»<sup>۷۳</sup> امروز در برخی نقاط تهران نظامیان به سوی مردم تیراندازی کردند که در نتیجه تقی رفعت در خیابان نیاوران<sup>۷۴</sup> و علی محبعلی هنگام پایین کشیدن یکی از مجسمه ها هدف گلوله قرار گرفته به شهادت رسیدند.<sup>۷۵</sup>

آیت الله سید محمود طالقانی به دنبال خروج شاه از کشور در پیامی خطاب به مردم از آنان خواست تا از شورای انقلاب اطاعت کنند. آیت الله طالقانی که در محل سکونت خود در پیچ



آوردند و تا تقاطع خیابان پهلوی - شاهرضا آن را روی زمین کشیدند. روزنامه کیهان در بخش دیگری از گزارش خود از تهران نوشت: «در تقاطع خیابان سپه و مولوی عده ای از مادران سال خورده جلوی کامیون سربازان را می گرفتند و در حالی که صورت آنها را می بوسیدند، آنها را فرزندان وطن خطاب می کردند.» مردم انگلستان خود را به علامت پیروزی (V) بلند می کردند. در همین حال خبرنگاران خارجی در حال مصاحبه و فیلم برداری از مردم و نقاط مختلف شهر تهران بودند. خبرنگار روزنامه کیهان همچنین از دانشگاههای ملی و صنعتی خبر داد که مجسمه های شاه در این دو مرکز پایین کشیده شده است.<sup>۶۹</sup> در این تظاهرات مردم فریاد می زدند: شاه در به در شد / ساواک بی پدر شد. به همت خمینی شاه فراری شده. «دختر و پسر دانشگاه به نوای آهنگ امریکایی «بگو مرگ بر شاه» می رقصیدند و می گفتند: «شاه پر، ولیعهد پر، اویسی پر!» ساعت ۱۵ سربازها از محوطه خارج شدند و برخی از آنان نیز شعار دادند مرگ بر شاه. مردم نیز آنها را بوسیدند و به آنها شکلات دادند. به گزارش خبرنگار بی بی سی حفاظت و کنترل شهر به دست مردم افتاد و تقریباً تمام جمعیت تهران به خیابانها ریختند و از ساختمانها کاغذهای رنگارنگ بر روی مردم ریخته می شد.<sup>۷۰</sup> نویسندگان کتاب ایران: انقلاب به نام خدانیز از حوادث امروز تهران نوشتند: «شامگاه، تظاهرکنندگان شروع به پایین آوردن مجسمه های شاهان می کنند. مجسمه رضاشاه، پدر [محمدرضا] شاه که بر میدان ۲۴ اسفند سایه افکنده، تا در ورودی دانشگاه کشیده شده

غیرقانونی و انتقال کامل حاکمیت به مردم می باشد و ترک کشور توسط شاه نباید راه درازی را که هنوز مبارزه مردم در پیش دارد از نظرها دور کند. زیرا هنوز دستگاه استبداد بر مملکت مسلط می باشد و دولت غیرقانونی منصوب شاه حاکم است. سنجایی از مردم خواست با هوشیاری به مبارزه ادامه دهند. همچنین در حفاظت از اموال و تأسیسات عمومی که متعلق به خود آنهاست و باید در اختیار دولت منتخب مردم قرار گیرد کوشا باشند. سنجایی در پایان گفت: «همه نیروهای درگیر در مبارزه برای آزادی و استقلال ایران کوشش کنند تا این مبارزه به سرمنزل پیروزی برسد و تمام مظاهر دستگاه استبدادی از بین برود و جای خود را به نهادهای مردمی و ملی بدهد.»<sup>۷۷</sup>

ارتش امروز حضور کم رنگی در سطح شهر تهران داشت. نیروهای انتظامی در مقابل تظاهرات امروز مردم تهران و پایین کشیده شدن مجسمه های شاه و پدرش نیز واکنش چندانی از خود نشان ندادند.

ارتش در گزارش امروز خود از تهران نوشت:

«ساعت ۱۰ پرسنل دژبان مرکز عکس [امام] خمینی را از جیب خود بیرون آورده و گفته اند: «کار ارتش تمام شد و دیگر فاتحه اش را باید خواند» ضمناً به عکس [امام] خمینی اشاره کرده و گفته اند: «ما این طرفی هستیم.»

- در ساعت ۱۵/۱۵ دقیقه تظاهرکنندگان پیکره اعلی حضرت رضاشاه کبیر و شاهنشاه آریامهر را از میدان توپخانه و راه آهن پایین کشیدند.

- در ساعت ۱۵/۴۰ دقیقه عده ای از تظاهرکنندگان در دزاشیب شروع به تظاهرات نموده که با مداخله و تیراندازی مأمورین فرمانداری نظامی مواجهه در نتیجه یک نفر کشته و دو نفر مجروح شدند.

- در ساعت ۱۵/۴۵ دقیقه تظاهرکنندگان در فلکه اول تهران پارس مجسمه شاهنشاه را پایین آوردند و عکس خمینی را جای آن نصب کردند.

- در ساعت ۱۶/۴۵ دقیقه گزارش گردید که پرسنل نظامی مستقر در کلانتری ۶ با تظاهرکنندگان هم صدا شده و شعار می دهند.<sup>۷۸</sup>

به گزارش روزنامه آیندگان پیش از ظهر امروز پانصد هزار نفر از فرهنگیان، روحانیون، کارمندان ادارات خصوصی و دولتی با سر دادن شعارهایی علیه شاه و بختیار در قم تظاهرات کردند.<sup>۷۹</sup> بعد از ظهر نیز خوشحالی مردم، روحانیان و طلاب از فرار شاه و صف نشدنی بود. آنها حلقه بزرگی را در مقابل حرم و مدرسه فیضیه تشکیل داده بودند و شعار می دادند:

کورش بپاخیز، گندش دراومد مشروطه سلطنتی، وقتش سرآمد.<sup>۸۰</sup>

پیش از ظهر امروز آیت الله سیدصادق روحانی از زندان آزاد شد<sup>۸۱</sup> و در میدان امام خمینی قم



شمران با هزاران نفر سخن می گفت در پیام خود تخریب اماکن و آتش سوزی را عملی غیراسلامی و دسیسه دشمنان اعلام کرد. آیت الله طالقانی در بخشی از پیام خود گفت: «اکنون لحظه ای حساس و تاریخ ساز است. امروز به عهده شماست که این پیام را به نسلهای آینده برسانید. شما باید سرنوشت ساز باشید... دشمن هنوز مایوس نیست. هنوز مزدورانش در کمین نشسته اند. آنها موجهای کاذبی خواهند آفرید. از جهت روانی، نظامی، ایدئولوژی و فکری حمله خواهند کرد. باید این موجهها را از سر بگذرانیم. فرد فرد شما از طرف من و مراجع تقلید مأموریت دارید که مواظب اوضاع باشید. اگر کسی دست به تخریب زد و یا به پادگانها حمله کرد، اعلام کنید که از ما نیست و دسیسه است. سربازان و درجه داران و افسران دشمنان ما نیستند. برادران ما هستند و بالاخره ارتشی که عامل بیگانه بود به ارتش ملی تبدیل می شود.» مردم نیز بعد از سخنان آیت الله طالقانی در حالی که آیت الله پیشاپیش آنان حرکت می کرد در ساعت ۲۱ به سوی میدان ۲۴ سفند حرکت کردند.<sup>۷۶</sup>

دکتر کریم سنجایی، رهبر جبهه ملی، امشب موضع تشکل متبوع خود را درباره خروج شاه از کشور اعلام کرد: «با رفتن شاه از کشور، یکی از خواسته های مقدماتی مردم ایران در مبارزه پرشکوهشان در راه آزادی و استقلال کشور برآورده شد.» سنجایی افزود مردم در تظاهرات گسترده طی ماههای اخیر خواستار رفتن شاه به عنوان مظهر سلطنت استبدادی شدند ولی نباید فراموش کرد که خواست اصلی مردم ایران و هدف انقلاب عظیم شان پایان دادن به بساط سلطنت

مورد استقبال مردم قرار گرفت.<sup>۸۲</sup>

به نوشته غلامرضا کرباسچی در کتاب هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی به دنبال درخواست امام خمینی، امروز فضلالی حوزه علمیه قم از مردم دعوت کردند تا در تظاهرات اربعین (۲۹ دی ۱۳۵۷) شرکت کنند.<sup>۸۳</sup>

امروز در اراک نیز تظاهرات برپا بود. ساعت یک بعد از ظهر ساختمان ساواک در این شهر به آتش کشیده شد و پس از اعلام خروج شاه از کشور مردم در میدان مجسمه اجتماع کردند تا پیکره شاه را پایین بکشند. برخی از روحانیان از مردم خواستند که متفرق شوند. در همین حال کماندوها به سوی مردم حمله کردند که در اثر تیراندازی پنج نفر شهید و ۲۸ نفر مجروح شدند.<sup>۸۴</sup> نام دو نفر از شهدای امروز اراک علی اسکندری (راننده، ۲۹ ساله) و حبیب‌الله رضایی (دانش‌آموز، ۹ ساله) بود.<sup>۸۵</sup>

خمین، زادگاه امام خمینی نیز امروز غرق در شادی و هیجان بود. محمدجواد مرادی نیا در کتاب خمین در انقلاب از شادی مردم خمین پس از اعلام فرار شاه از کشور می‌نویسد: «جوانان و نوجوانان گروه گروه در خیابانها راه افتاده و شعار می‌دادند: «شاه فرای شده، سوار گاری شده» چند نوجوان بازیگوش الاخی را رنگ آمیزی کرده و روی آن نوشته بودند «شاه در رفت» همچنین عکسهای شاه و فرح و خانواده سلطنتی که با قلم سر و گوششان دستکاری شده بود را از گردن و دیگر اعضای بدن آن الاغ آویزان کرده و در خیابانها می‌چرخاندند. آنچه از شیرینی و نقل و نبات در مغازه‌ها باقی مانده بود آن روز در خیابانها بین مردم توزیع شد... خلاصه مردم خمین پس از دو سال برای اولین بار لبخند بر لبانشان نقش بست و پس از دیدن و شرکت در آن همه مجلس عزا، بالاخره طعم یک جشن و شادی حقیقی را چشیدند... گروهی نیز به مقابل پایگاههای نیروهای نظامی رفتند و به آنان شیرینی تعارف می‌کردند.»<sup>۸۶</sup>

مردم مشهد با اطلاع از خروج شاه از کشور جشنی در این شهر برپا کردند. آقای حلوندی یکی از تظاهرکنندگان مشهدی در گفت و گو با واحد تاریخ شفاهی دفتر ادبیات انقلاب اسلامی در این باره می‌گوید: شادی مردم مثل شادی شب عید بود. مردم سوار ماشینها در حالی که چراغها روشن بود و بوق می‌زدند شعار می‌دادند «شاه رفت».<sup>۸۷</sup> آقای ظریف نیز در خاطرات خود می‌گوید تمامی مجسمه‌های شاه از میدانهای مشهد پیش از این به پایین کشیده شده بود، فقط مجسمه میدان شهدا باقی مانده بود که آن نیز امروز سقوط کرد.<sup>۸۸</sup>

امروز همچنین گروهی از طبقات مختلف مردم مشهد با حمل عکسهایی از امام خمینی و شهدا با شعار «توب، تانک، مسلسل، دیگر اثر ندارد، شاه به جز خودکشی راهی دگر ندارد» راه پیمایی کردند و پس از اقامه نماز جماعت متفرق شدند.<sup>۸۹</sup> رضوانعلی شاکری در کتاب

روزی که شاه رفت

انقلاب اسلامی مردم مشهد از تظاهرات حدود ده هزار نفر در ساعت ۹ صبح امروز خبر داده بود. به نوشته شاکری مردم تظاهرات خود را از صحن مطهر شروع کردند و به خیابانهای خسروی، [امام] خمینی، بهار و احمدآباد رسیدند و با سر دادن شعارهایی علیه رژیم شاه و دولت بختیار به بیمارستان امام رضا (ع) رفتند و از مجروحان حوادث اخیر عیادت کردند. مردم مشهد در تظاهرات امروز خود وقتی با نظامیان رو به رو می‌شدند آنان را برادر خطاب می‌کردند.<sup>۹۰</sup>

امروز همچنین آقایان سیدهادی خامنه‌ای و طاهر احمدزاده در سالن اجتماعات دادگستری مشهد در حضور دو هزار نفر سخن‌رانی کردند و به دنبال آن آقای غلامرضا قدسی، شاعر، اشعاری را برای حاضران قرائت کرد.<sup>۹۱</sup>

امروز اعلامیه‌ای مبنی بر تعقیب مبارزات بی‌امان و ادامه تحزب و تشکل و تعاون و همبستگی و جلوگیری از معامله ربوی و قانع بودن به سود کم، از سوی اصناف خیابان جنت مشهد منتشر شد.<sup>۹۲</sup> غلامرضا جلالی در کتاب تقویم تاریخ خراسان از استقبال با شکوه مردم تربت حیدریه در مدخل این شهر از جوانی به نام احمد کاشمیری خبر داد. کاشمیری در تظاهرات اخیر این شهر مجروح شده بود و در بیمارستان مشهد جراحان مجبور به قطع یک پای وی شده بودند.<sup>۹۳</sup>

امروز حجت‌الاسلام سیدعبدالکریم هاشمی نژاد در اجتماع دو هزار نفر از مردم شیروان در مسجد جامع این شهر سخن‌رانی کرد. به گزارش مأموران فرمانداری نظامی مشهد و حومه، هاشمی نژاد از مردم خواست تا در راه پیمایی روز جمعه (۲۹ دی ۱۳۵۷؛ اربعین) شرکت کنند و شبها نیز از ساعت ۲۱ تا ۲۱/۳۰ در خیابانها به گروههای پنجاه نفره تقسیم شوند و اذان و اقامه سر دهند و گروهی نیز به حفاظت و پاسداری از شهر بپردازند.<sup>۹۴</sup>

بعد از ظهر امروز ساکنان بیست پارچه آبادی بخش «برقان» از توابع نیشابور در تظاهراتی گسترده ضمن اظهار تنفر از اعمال وحشیانه مأموران انتظامی، دولت شاپور بختیار را محکوم کردند.<sup>۹۵</sup>

امروز هم‌زمان با خروج شاه از کشور در ساعت ۱۳/۳۰ دقیقه زلزله شدیدی شهرهای بیرجند، تربت حیدریه، قائن و بیدخت را لرزاند. مرکز زلزله‌نگاری سوئد بزرگی این زمین‌لرزه را ۶/۸ ریشتر و مرکز زلزله‌نگاری فنلاند شدت آن را ۷/۱ ریشتر اعلام کرد. به گزارش خبرنگار روزنامه کیهان در این زلزله بیشترین آسیبها به روستاهای بزین آباد، ابراهیم آباد و خرم‌آباد از بخش قاین وارد شده است. آمار مختلفی از تلفات این زمین‌لرزه منتشر شد. خبرگزاری پارس ۱۲۰ کشته، سخن‌گوی شیر و خورشید ۱۲۹ کشته و ژاندارمری بیرجند ۱۵۲ کشته را حاصل این زمین‌لرزه اعلام کردند.<sup>۹۶</sup> مایکل ام. جی فیشر با اشاره به این زلزله نوشت: بزرگی زلزله

۶/۷ تا ۷/۵ درجه در مقیاس ریشتر بود، اما هیچ کس در مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران آن را ثبت نکرد زیرا همه برای شادمانی خروج شاه بیرون رفته بودند.<sup>۹۷</sup> هم زمان با فرار شاه از ایران، گروهی از نظامیان و چماقداران به مراسم شادی مردم اهواز حمله کردند. مهاجمان با استفاده از تانک و مسلسل و چماق عده‌ای را شهید و مجروح کردند.<sup>۹۸</sup> جان. دی. استمپل در کتاب درون انقلاب ایران درباره حادثه امروز اهواز نوشت: «نیروهای مسلح خبر عزیمت شاه را با احساساتی درهم آمیخته پذیرفتند. فرماندهان ارتش در تهران، از فروپاشی فزاینده سیاسی آگاه بودند، اما فرماندهان خارج از پایتخت در جریان اوضاع نبودند. در استان نفت خیز خوزستان فرماندهان پادگان و سربازان دستور دادند تا روی تظاهرکنندگان که خروج شاه را جشن گرفته بودند آتش بکشایند. روزنامه نگاران خارجی گزارش کرده‌اند که سربازان در اهواز بیست نفر را به قتل رساندند و دویست نفر را زخمی کردند.»<sup>۹۹</sup> یکی از شهدای امروز اهواز علی بیت سیاح (دوازده ساله) نام داشت.<sup>۱۰۰</sup>

امروز هفده نفر از اعضای جامعه روحانیت اهواز در پیامی خطاب به مردم ایران توصیه کردند: ۱- به مأموران نظامی و انتظامی تعرضی نشود ۲- مأموران نیز به مردم تعرضی نکنند ۳- هیچ کس مجاز نیست به افراد به بهانه ساواکی بودن تعرض و اهانت کند. ۴- کسی حق ندارد اراضی را اشغال کند و ساختمان سازی کند. ۵- بازرگانان ارزان فروشی را نصب‌العین خود قرار دهند. ۶- مردم از مواردی که وحدت کلمه را به خطر می‌اندازد خودداری کنند. ۷- جوانان حفظ نظم و آرامش شهر را به عهده بگیرند.<sup>۱۰۱</sup>

ارتش در گزارش روزانه خود از اندیمشک نوشت: «در ساعت ۱۴ تظاهرات مردم اندیمشک آغاز گردید. تظاهرکنندگان ضمن شادی و هلله پیکره‌های اصلی حضرت رضاشاه کبیر مقابل راه آهن این شهر را تخریب کردند.»<sup>۱۰۲</sup> در اثر مقابله نظامیان با مردم اندیمشک دو نفر به اسامی عزت‌الله رضایی میرقائد (۱۷ ساله) و اردشیر موسوی (۱۵ ساله) به شهادت رسیدند.<sup>۱۰۳</sup> در همین حال خیرگزاری فرانسه به نقل از وزارت امور خارجه انگلستان از خروج یکصد انگلیسی به وسیله نیروی هوایی سلطنتی این کشور از مسجد سلیمان خبر داد. خروج این افراد به توصیه سرآنتونی پارسونز، سفیر انگلیس در تهران، و به درخواست فرماندار نظامی منطقه صورت گرفت.<sup>۱۰۴</sup>

جامعه روحانیت کرمانشاه با صدور اعلامیه‌ای از مردم خواست تا در تظاهرات روز اربعین (۲۹ دی ۱۳۵۷) شرکت کنند. روحانیان کرمانشاه اعلام کردند به پیروی از حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی از مردم می‌خواهند با شرکت در این راه‌پیمایی بیش از پیش به جهانیان اعلام کنند رژیم شاهنشاهی مردود است و مردم خواستار حکومت عدل اسلامی هستند. در بخش

پایانی اعلامیه جامعه روحانیت کرمانشاه آمده بود: «ضمناً بنا به فرموده حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی از هر عملی که در آن روز منجر به برخورد و درگیری با مأموران نظامی گردد خودداری نمایید. شروع راه‌پیمایی ساعت ۹ صبح از مسجد آیت‌الله بروجردی.»<sup>۱۰۵</sup>

امروز آیت‌الله حسینعلی منتظری اعلامیه‌ای خطاب به علما و مردم غرب کشور نوشت. وی که پس از دیدار با امام خمینی در پاریس هنگام بازگشت با استقبال مردم شهرهای قصر شیرین، سرپل ذهاب، اسلام‌آباد، کرمانشاه، کنگاور، مریانج، همدان و ساوه رو به رو شده بود در این اعلامیه از مردم این شهرها تشکر کرد و در پایان اظهار امیدواری کرد که جنبش اسلامی مردم با رهبری قاطعانه علمای اعلام و بویژه امام خمینی شاهد پیروزی نهایی و برقراری حکومت جمهوری عدل اسلامی باشد.<sup>۱۰۶</sup>

آیت‌الله محمد صدوقی نیز امروز در پیامی به مردم شهرهای کرمانشاه و سنندج با اشاره به جنایات رژیم شاه در این شهرها، ضمن عرض تسلیت به عموم ملت ایران، مسلمانان و برادران اهل تسنن، گزارشی از جنایات تازه رژیم شاه در یزد ارائه کرد و در پایان همبستگی خود را با اهالی کرمانشاه و سنندج در ادامه مبارزه با استعمار و استبداد ابراز کرد.<sup>۱۰۷</sup>

مردم کرمان امروز فرار شاه از ایران را جشن گرفتند و آن را طلیعه‌ای برای استقرار جمهوری اسلامی دانستند.<sup>۱۰۸</sup> به نوشته روزنامه اندیشه (کرمان) از ساعت ۳ بعد از ظهر تظاهرات مردم کرمان شروع شد. اتومبیلها و موتورسیکلتها در حالی که چراغهایشان را روشن کرده بودند با بوقهای ممتد در خیابانها به راه افتادند و مردم با نقل و شکلات از هم پذیرایی می‌کردند.<sup>۱۰۹</sup>

با انتشار خبر خروج شاه از کشور، موج شادی تبریز را نیز فراگرفت. مردم تبریز پس از شنیدن خبر خروج شاه از رادیو به سوی خیابانها هجوم بردند. خودروها چراغهای خود را روشن کرده، صدها کیلو شیرینی در سطح شهر توزیع شد. هدایت‌الله بهبودی در کتاب تبریز در انقلاب از اوضاع این شهر می‌نویسد: «در نخستین اقدام گروههایی از مردم به سمت مناطقی رفتند که محسسه‌های شاه در آنجا برپا بود. در میدان شهرداری، میدان دانش سرا، میدان راه آهن و باغ گلستان محسسه‌های آخرین شاه ایران را پایین کشیدند. گروهی از مردم نیز راهی زندان تبریز شدند تا همشهریان دستگیر شده خود را آزاد کنند، اما با شلیک گاز اشک‌آور از طرف مأموران مستقر در زندان عقب نشستند و پراکنده شدند. ساختمان ساواک در تبریز نیز هدف مردم بود، اما در آنجا نیز مأموران حکومت نظامی با مردم مقابله کردند.»<sup>۱۱۰</sup> روزنامه آیندگان از حضور یک میلیون نفر در جشن امروز خبر داد و افزود در این روز سربازان حاضر در خیابانها گلباران شدند و مردم عکسهای امام خمینی را روی خودروهای نظامی نصب کردند.<sup>۱۱۱</sup> بهبودی درباره هم‌زمانی خروج شاه از ایران با انتشار خبر بازگشت امام خمینی می‌نویسد: «همراهی این دو خبر هیچ‌ان حاکم بر شهر را



مضاعف کرد. جراید نوشتند مردم تبریز برای استقبال از امام آماده اند و از جمله اقدامات، آمادگی پانصد دستگاه اتوبوس مسافربری برای انتقال مردم از تبریز به تهران بود.<sup>۱۱۲</sup> ارتش نیز در گزارش روزانه اش از اوضاع امروز شهر تبریز نوشت: «تا حدود ساعت ۱۶ تظاهر کنندگان کلیه مجسمه های شاهنشاه را در تبریز پایین کشیده و فقط مجسمه باغ شمال تبریز باقی مانده است.»<sup>۱۱۳</sup>

پال هنت در کتاب کشیشهای انگلیسی در دوران انقلاب اسلامی از اوضاع شهر اصفهان و روز ۲۶ دی می نویسد: «شاه روز ۱۶ ژانویه ۱۹۷۹ از ایران رفت و به دنبال آن تمام اتومبیلها در اصفهان عیناً مثل موقعی که عروس می برند شروع به بوق زدن کردند. مردم حالتی داشتند که نشانگر خوشحالی زایدالوصف آنها بود و ما به عیان دیدیم که بعد از ماهها اهالی اصفهان بار دیگر به روی هم لبخند می زدند.»<sup>۱۱۴</sup>

در شاهی (قائم شهر) نیز پس از اعلام خبر خروج شاه از کشور پنجاه هزار نفر از طبقات مختلف در میدان شاه گرد هم آمدند و در حال رقص و پایکوبی، مجسمه شاه را پایین کشیدند. آنان سپس به میدان راه آهن رفتند و با تخریب مجسمه رضاشاه و توزیع شیرینی میان نظامیان، به آنان شاخه های گل اهدا کردند. مردم سپس در مسجد عشقی اجتماع کردند و چند تن از روحانیان در سخنانی مردم را به آرامش فراخواندند.<sup>۱۱۵</sup>

ولی الله فوزی تویسرکانی نیز از اوضاع شهر خرم آباد نوشت؛ پس از اعلام خروج شاه از کشور کاروانهای شادی در این شهر به راه افتاد و در میدان مجسمه رضاشاه پایین کشیده شد.<sup>۱۱۶</sup> امروز بیش از ۱۳۰ هزار نفر از اهالی کازرون و روستاییان و عشایر پس از ۶ ساعت راه پیمایی در میدان شهدا گرد هم آمدند و به چند سخن رانی گوش دادند. در این بین چند افسر ارشد ارتش به میان مردم آمدند و در حالی که از سوی مردم گلباران می شدند با مردم اعلام هبستگی کردند.<sup>۱۱۷</sup>

آیت الله سید محمود طالقانی در پیامی از عشایر خواست تا در نهضت سهم شایسته ای به عهده بگیرند. آیت الله طالقانی با اشاره به اینکه اخباری مبنی بر حمله عشایر و ایلات به مردم روستاها به گوش می رسد، اعلام کرد اشاعه این اخبار در میان ساکنین روستاهای اطراف فارس، خصوصاً جهرم نگرانیهایی به وجود آورده است. آیت الله طالقانی در بخشی از این پیام نوشت: «ما انتظار داریم به فوریت برادران ایلات و عشایر با گرویدن آشکار به صفوف انقلاب ملت اولاً اعتماد عمومی را بار دیگر نسبت به خود جلب کنند. ثانیاً سهمی که شایسته روحیه سلحشوری و رزم آوری و غیرت این طبقه از جامعه است، مستقیماً خودشان در جنبش به عهده بگیرند. و همان طوری که بارها زعمیم عالی قدر، آیت الله العظمی امام خمینی اعلام فرموده اند به کمک روحانیون

آزاده، آزوده و روشن بین و به همراهی سایر اقشار از معلم و دانشجو و پیشه ور و کارگر و کشاورز و غیره بشتابند...»<sup>۱۱۸</sup>

ارتش در پایان گزارش روزانه خود از اوضاع جاری در شهرهای مختلف کشور در قسمت «تجزیه و تحلیل» گزارش خود نوشت: «مخالفین روش اغواگرانه خود را در زمینه اغفال پرسنل از طریق دادن گل و شیرینی دنبال نموده و به طوری که ملاحظه گردید در چندین مورد نیز موفق به هم جهت نمودن پاره ای از سربازان و پرسنل با خود شده اند. در ضمن با مسافرت اعلی حضرت شاهنشاه آریامهر به خارج از وطن، روحیه اخلاص گران تقویت شده است.» ارتش در پایان نیز نتیجه می گیرد: «با نگرش به مسافرت اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران به خارج از کشور که موجب شادی و سرور مثنی اخلاص گر گردید، این امر در روحیه پرسنل نظامی اثر عمیقی به جای گذاشته است...»<sup>۱۱۹</sup>

ایکال یابین، معاون نخست وزیر اسرائیل، هم زمان با خروج شاه از ایران اعلام کرد که اسرائیل حاضر است از یهودیان ساکن ایران که مایل به مهاجرت به اسرائیل باشند استقبال کند. یابین در مصاحبه ای در شهر مونترال کانادا افزود میان اسرائیل و ایران روابط عادی دیپلماتیک وجود ندارد. با وجود این بیم آن می رود که تحولات اخیر ایران به بدتر شدن روابط این کشور با اسرائیل منجر شود.<sup>۱۲۰</sup>

بخش فارسی رادیو لندن از نگرانی رهبران کشورهای عربی از اوضاع ایران خبر داد. بی بی سی به نقل از یکی از دیپلماتهای انگلیسی که تأثیر اوضاع ایران را بر روی کشورهای عربی بررسی کرده است افزود بسیاری از همسایگان عرب ایران با نگرانی اوضاع ایران را دنبال می کنند و از خود می پرسند آیا حوادث ایران در این کشورها تکرار خواهد شد. بی بی سی از نگرانی بیشتر عربستان سعودی، که شیعیان در شمال شرقی آن کشور زندگی می کنند، و عراق که اکثر ساکنان آن شیعه هستند نیز گزارش داد.<sup>۱۲۱</sup>

#### پانویسها:

- ۱- قره باغی، عباس، اعترافات ژنرال، تهران، نشر نی، ۱۳۶۸، صص ۱۸۱-۱۷۹.
- ۲- بختیار، شاپور، یکرنگی، ترجمه مهشید امیرشاهی، پاریس، انتشارات آکین میشل، ۱۳۶۱، صص ۱۹۰-۱۸۶.
- ۳- روزنامه کیهان، شم ۱۰۶۱۵-۱۰/۲۷/۱۳۵۷، ص ۲.
- ۴- اعترافات ژنرال، صص ۱۸۳-۱۸۲.
- ۵- رفیع زاده، منصور، خاطرات منصور رفیع زاده (آخرین رئیس شعبه ساواک در امریکا)، ترجمه اصغر گرشاسبی، تهران،

- انتشارات اهل قلم، ۱۳۷۶، ص ۳۹۱.
- ۹- مسعود انصاری، احمدعلی، من و خاندان پهلوی، ترجمه محمد برقی/حسین سرافراز، تهران، نشر مهر، ۱۳۷۳، صص ۳۰۸-۳۰۹.
- 7- Forbis, William H, Fall of the Peacock Throne: The Story of Iran, New York, etc. Harper and Raw 1980- Mc Graw - Hill Book company, 1981- P.9.
- ۸- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، انقلاب ایران به روایت رادیو بی بی سی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۲، صص ۳۳۵-۳۳۴.
- ۹- همان، صص ۳۳۶-۳۳۵.
- ۱۰- اعترافات ژنرال، ص ۱۸۳.
- ۱۱- پارسونز، سرآنتونی، غرور و سقوط، ترجمه منوچهر راستین، تهران، انتشارات هفته، ۱۳۶۳، صص ۱۹۰-۱۸۹.
- ۱۲- سولیوان، ویلیام، مأموریت در ایران، ترجمه محمود مشرفی، تهران، انتشارات هفته، ۱۳۶۱، ص ۱۶۵.
- ۱۳- هارنی، دزموند، روحانی و شاه (گزارش یک شاهد عینی از انقلاب ایران)، ترجمه کاوه باسمنجی/کاووس باسمنجی، تهران، کتاب سرا، ۱۳۷۷، صص ۲۳۲-۲۳۱.
- ۱۴- آریان پور، آذر، پشت دیوارهای بلند (از کاخ تازندگان)، تهران، نشر آتیه، ۱۳۷۹، صص ۱۱۶-۱۱۵.
- ۱۵- صمیمی، مینو، پشت پرده تخت طاووس، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۸، ص ۲۴۷.
- ۱۶- زاهدی، اردشیر، ۲۵ سال در کنار پادشاه (خاطرات اردشیر زاهدی)، به کوشش ابوالفضل آتابای، تهران، عطایی، ۱۳۸۱، ص ۳۳۵.
- ۱۷- بولتن خبرگزاری پارس (محرمانه)، ش ۳۰۳-۳۰۴/۲۷/۱۰/۱۳۵۷، ص ۹.
- ۱۸- همان، صص ۱۱-۱۰.
- ۱۹- همان، ص ۱۹.
- ۲۰- همان، ص ۲۱.
- ۲۱- همان، ص ۸.
- ۲۲- همان، ص ۶.
- ۲۳- همان، ص ۱۶.
- ۲۴- همان، ش ۳۰۴-۳۰۵/۲۸/۱۰/۱۳۵۷، صص ۷-۸.
- ۲۵- راجی، پرویز، خدمت گزار تخت طاووس، ترجمه ح.ا. مهران، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴، صص ۳۹۴-۳۹۲.
- ۲۶- خاطرات منصور رفیع زاده، ص ۳۹۱.
- ۲۷- هایز، رابرت، مأموریت در تهران، ترجمه ع رشیدی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴، ص ۱۳۴.
- ۲۸- بولتن خبرگزاری پارس (محرمانه)، ش ۳۰۴-۳۰۵/۲۸/۱۰/۱۳۵۷، ص ۲.
- ۲۹- هویدا، فریدون، سقوط شاه، ترجمه ح.ا. مهران، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۵، ص ۲۰۵.
- ۳۰- خدمت گزار تخت طاووس، ص ۳۹۳.
- ۳۱- بولتن خبرگزاری پارس (محرمانه)، ش ۳۰۴-۳۰۵/۲۸/۱۰/۱۳۵۷، ص ۲.
- ۳۲- همان، ص ۱.
- ۳۳- کرباسچی، غلامرضا، هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، ج ۲، قم، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۷۱، ص ۱۰۷۷.
- 34- Sadat, Jehan, A Woman of Egypt, New York: Simon and Schuster, P. 398.
- ۳۵- روزنامه بورس، ش ۴۲۲۸-۴۲۲۹/۱۰/۲۷/۱۳۵۷، صص ۴ و ۱.
- ۳۶- روزنامه آیندگان، ش ۳۲۶۶-۳۲۶۷/۱۰/۲۷/۱۳۵۷، صص ۳.
- ۳۷- روزنامه بورس، ش ۴۲۲۸-۴۲۲۹/۱۰/۲۷/۱۳۵۷، صص ۴ و ۱.
- ۳۸- دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، ج ۹، تهران، انتشارات امام رضاع)، ۱۳۶۰، ص ۱۸۹.
- ۳۹- روزنامه آیندگان، ش ۳۲۶۶-۳۲۶۷/۱۰/۲۷/۱۳۵۷، ص ۳.
- ۴۰- یکرنگی، ص ۱۸۶.
- ۴۱- یزدی، ابراهیم، آخرین تلاشها در آخرین روزها، تهران، انتشارات قلم، ۱۳۶۳، صص ۱۳۸-۱۳۷.
- 42- Amir Arjmand, Said. The Turban Forr The Crown (The Islamic Revolution in Iran). New York: Oxford University Press, 1988-PP 121-122.
- ۴۳- صفحه امام، ج ۵، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۸، ص ۴۸۱.
- ۴۴- بهنود، مسعود، دولتهای ایران از سیدضیاء تا بختیار، تهران، جاویدان، ۱۳۶۶، ص ۸۷۹.
- ۴۵- مجموعه آثار یادگار امام، حجت الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد خمینی، ج ۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۵، ص ۶۸۶.
- ۴۶- صفحه امام، ج ۵، صص ۴۸۵-۴۸۴.
- ۴۷- همان، ص ۴۸۲.
- ۴۸- خاطرات هادی غفاری، تهران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، صص ۳۹۰-۳۸۹.
- ۴۹- رجایی، غلامعلی، برداشتهای از سیره امام خمینی (ویژگی فردی)، ج ۲، تهران، عروج، ۱۳۷۷، صص ۲۵۷-۲۵۶.
- ۵۰- بولتن خبرگزاری پارس (محرمانه)، ش ۳۰۳-۳۰۴/۲۷/۱۰/۱۳۵۷، ص ۱.
- ۵۱- همان، ص ۱۳.
- ۵۲- همان، ص ۳.
- ۵۳- بولتن خبرگزاری پارس (محرمانه)، ش ۳۰۴-۳۰۵/۲۸/۱۰/۱۳۵۷، ص ۳.
- ۵۴- روزنامه کیهان، ش ۱۰۶۱۴-۱۰۶۱۵/۲۶/۱۰/۱۳۵۷، ص ۲.
- ۵۵- مجموعه آثار یادگار امام، حجت الاسلام والمسلمین سیداحمد خمینی، ج ۲، ص ۱۳۷.
- ۵۶- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی، ج ۱۰، تهران، ص ۱۵.
- ۵۷- استمپل، جان. دی، درون انقلاب ایران، منوچهر شجاعی، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷، صص ۲۳۰-۲۲۹.
- ۵۸- مأموریت در تهران، صص ۱۴۰-۱۳۱.
- ۵۹- برژینسکی، زبیکینو، سقوط شاه، جان گروگانها و منافع ملی، منوچهر یزدان یار، تهران، کاوش، ۱۳۶۲، ص ۵۱.
- 60- Hiro, Dilip, Iran under the Ayatollahs, London, Melbourne and Henley: Routledge and Kegan Paul 1985, P.89.
- ۶۱- روزنامه آیندگان، ش ۳۲۶۷-۳۲۶۸/۱۰/۲۸/۱۳۵۷، ص ۲.
- ۶۲- استمپل، جان. دی، درون انقلاب ایران، منوچهر شجاعی، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷، ص ۲۲۹.
- ۶۳- طبرانی، بهروز، روزشمار روابط ایران و امریکا (۱۲۴۸ ق - ۱۳۷۷ ش / ۱۸۳۲ - ۱۹۹۹ م)، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹، ص ۲۷۶.
- ۶۴- نجانی، غلامرضا، تاریخ سیاسی ۲۵ ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)، ج ۲، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا،

۱۳۷۱، صص ۲۸۰-۲۷۹.

۶۵- همگام با شعارها در انقلاب اسلامی ایران، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷، صص ۳۳-۳۱.

۶۶- مجله زن روز، شمه ۱۲۰۴-۱۳۶۷/۱۱/۱۵، صص ۱۱-۵.

۶۷- همگام با شعارهای انقلاب اسلامی ایران، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷، صص ۳۵-۳۴.

۶۸- قاسمی، سیدفرید، خاطرات مطبوعاتی، تهران، نشر آبی، ۱۳۸۳.

۶۹- روزنامه کیهان، شمه ۱۰۶۱۵-۱۳۵۷/۱۰/۲۷، ص ۳.

۷۰- بولتن خبرگزاری پارس (محرمانه)، شمه ۳۰۳-۱۳۵۷/۱۰/۲۷، صص ۱۳-۱۲.

۷۱- بریز، کلر و پیر بلانشه، ایران، انقلاب به نام خدا، ترجمه قاسم صنعوی، تهران، سحاب کتاب، ۱۳۵۸، ص ۱۵.

72- Fischer, Michael M.J, Iran: From Religious Dispute to Revolution. Cambridge, Massachusetts, and London England: Harvard University Press, 1980, PP. 210-211.

۷۳- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، از ظهور تا سقوط، تهران، مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۶۶، ص ۳۷۰.

۷۴- مرکز پژوهشهای فرهنگی اداره کل بنیاد شهید تهران بزرگ، یادنامه (زندگی نامه و روز شمار شهدای انقلاب اسلامی تهران بزرگ از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا پایان ۱۳۵۷)، ج اول، تهران، اداره کل بنیاد شهید تهران بزرگ، ۱۳۷۳، ص ۳۵۵.

۷۵- همان، ص ۳۵۷.

۷۶- انتشارات ابوفر، از آزادی تا شهادت، قسمت اول از جلد دوم، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۵۹، ص ۳۳.

۷۷- روزنامه آیندگان، شمه ۳۲۶۶-۱۳۵۷/۱۰/۲۷، صص ۲-۱.

۷۸- سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، گزارش زمستان ۵۷، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲، صص ۱۶۳-۱۶۲.

۷۹- روزنامه آیندگان، شمه ۳۲۶۶-۱۳۵۷/۱۰/۲۷، ص ۱۰.

۸۰- هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، ج ۲، ص ۱۰۷۶.

۸۱- همان، ص ۱۰۸۰.

۸۲- روزنامه آیندگان، شمه ۳۲۶۶-۱۳۵۷/۱۰/۲۷، ص ۱۰.

۸۳- هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، ص ۱۰۷۹.

۸۴- فوزی تویسرکانی، ولی الله، حماسه های اسلامی ملت به رهبری امام خمینی، قم، دارالفکر، ۱۳۵۷، صص ۲۱۷-۲۱۶.

۸۵- آرشیو مرکز آمار و اطلاعات بنیاد شهید، کد شناسایی ۱۳۳۸۸۷۲ و ۱۰۴۳۴۰۱.

۸۶- مرادی نیا، محمدجواد، خمین در انقلاب (بررسی رخدادهای انقلاب اسلامی در خمین ۱۳۵۷-۱۳۴۰)، تهران، عروج، ۱۳۷۷، ص ۴۷۰.

۸۷- دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، آرشیو واحد تاریخ شفاهی (خاطرات مردمی).

۸۸- همان.

۸۹- جلالی، غلامرضا، تقویم تاریخ خراسان (از مشروطه تا انقلاب اسلامی)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۳۲۳.

۹۰- شاکری، رمضانعلی، انقلاب اسلامی مردم مشهد از آغاز تا استقرار جمهوری اسلامی، مشهد، ۱۳۵۹، ص ۱۴۰.

۹۱- همان، ص ۱۴۱.

۹۲- تقویم تاریخ خراسان، ص ۳۲۳.

۹۳- همان.

۹۴- هاشمی نژاد، سیداحمد، فریادگر شهر شهادت، تهران، مؤلف، ۱۳۷۵، ص ۳۶۴.

۹۵- تقویم تاریخ خراسان، ص ۳۲۳.

۹۶- روزنامه کیهان، شمه ۱۰۶۱۵-۱۳۵۷/۱۰/۲۷، ص ۸.

97- Fischer, Michael M.J, Iran: From Religious Dipute to Revolution. Combridge, Massachusetts, and London, England: Harvard University Press. 1980. PP 210-211.

۹۸- موحد، هه، دو سال آخر رفوم... تا انقلاب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۲۶۵.

۹۹- درون انقلاب ایران، ص ۲۲۹.

۱۰۰- آرشیو مرکز آمار و اطلاعات بنیاد شهید، کد شناسایی، ۱۱۳۳۹۵۳.

۱۰۱- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، صص ۵۳۸-۵۳۷.

۱۰۲- گزارش زمستان ۵۷، ص ۱۶۳.

۱۰۳- آرشیو مرکز آمار و اطلاعات بنیاد شهید انقلاب اسلامی، کد شناسایی: ۱۷۳۰۶۵۷ و ۱۳۴۰۵۱۵.

۱۰۴- روزنامه آیندگان، شمه ۳۲۶۶-۱۳۵۷/۱۰/۲۸، ص ۲.

۱۰۵- اسناد انقلاب اسلامی، ج ۴، ص ۷۰۶.

۱۰۶- همان، جلد ۲، ص ۶۰۰.

۱۰۷- همان، صص ۶۰۳-۶۰۲.

۱۰۸- نشریه رویدادهای انقلاب اسلامی در کرمان، ص ۲۳.

۱۰۹- روزنامه اندیشه (کرمان)، ۱۳۵۷/۱۰/۲۸، ص ۱.

۱۱۰- بیهودی، هدایت الله، تبریز در انقلاب، تهران، عروج، ۱۳۸۲، ص ۴۷۱.

۱۱۱- روزنامه آیندگان، شمه ۳۲۶۶-۱۳۵۷/۱۰/۲۷، ص ۱۰.

۱۱۲- تبریز در انقلاب، ص ۴۷۲.

۱۱۳- گزارش زمستان ۵۷، ص ۱۶۳.

۱۱۴- هنت، پل، کشیشهای انگلیسی در دوران انقلاب اسلامی ایران، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۵، ص ۶۲.

۱۱۵- روزنامه آیندگان، شمه ۳۲۶۶-۱۳۵۷/۱۰/۲۸، ص ۷.

۱۱۶- حماسه اسلامی ملت به رهبری امام خمینی، ص ۱۱۷.

۱۱۷- همان، ص ۳۴۱۰.

۱۱۸- از آزادی تا شهادت، قسمت اول از جلد دوم، صص ۳۲-۲۹.

۱۱۹- گزارش زمستان ۵۷، ص ۱۶۳.

۱۲۰- بولتن خبرگزاری پارس (محرمانه)، شمه ۳۰۴-۱۳۵۷/۱۰/۲۸، ص ۱۹.

۱۲۱- بولتن خبرگزاری پارس (محرمانه)، شمه ۳۰۳-۱۳۵۷/۱۰/۲۷، ص ۲۰.